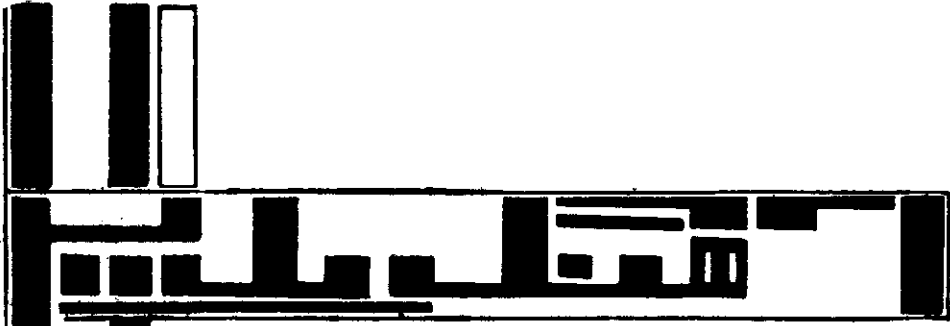


1/2

30/55

N



1-1-4

X



مفیدین

مخصوص جامعه بهائی است

اجتاه طغیان باید پیش خرابی داخل شوند و در امور سیاسی مداخله نمایند
حضرت عبدالبهاء

شهر بهار شهر کجلا ۱۲۲ بدیع

فروردین ۱۳۴۴

آوریل ۱۹۶۵

شماره ۱ سال ۲۰

شماره مسلسل ۲۱۷

فهرست

صفحه

- | | |
|---------|--|
| — | ۱ — لوح مبارك حضرت عبدالبهاء جل شانه |
| ۱ | ۲ — در آستانه دومین سال نقشه جلیله بیت العدل اعظم الهی |
| ۳ | ۳ — ایادی امر الله (۱۹) — جناب لوثی گریگوری |
| ۱۲ | ۴ — نامه های تاریخی — مکتوبی از جناب آقا سید اسدالله قس |
| ۱۴ | ۵ — نوبهار (شعر) |
| ۱۵ | ۶ — مژه (شعر) |
| ۱۷ | ۷ — الساندریو بوزانی (زندگی و آثار) دانشمند ایران شناس |
| ۲۳ | ۸ — صفحه ای از یک کتاب (محاضرات) |
| ۲۵ | ۹ — طلوع یوم جدید (قسمت دوم) |
| ۳۳ | ۱۰ — عکسهای تاریخی |
| ۳۵ — ۴۶ | ۱۱ — قسمت نوجوانان |

ای هبت ای الهی بام صبا در حانی سحر شراست و بزوم میاق الهی پر انوار صبح موهبت میدد و نسیم غیاث
 میوزد و مرده الطاف از ملکوت غیب میرسد بهار روحانی خمیه در قطب گلشن زده و باد صبا از بسای رحمانی شام
 روحانیان را مطهر نموده ببلبل معانی آغاز عزرا خوانی کرده و خنجرهای مسنوی در نهایت طراوت و لطافت
 شکفته مرغان چین مطرب انجمن گشته و با برع امکان و احسن انعام با بنگت ملا اعلی با بنگت یا طوبی و یا بشری
 بلند کرده و صلاهای سرخوشی بر باده نوشتان جنت ابی زده با این فصاحت بیان و بلاغت تبیان بر شاخسار رحمت
 گل با بنگت تقدیس سینرند ما افسرده گان با دیر غفلت و پشیمردگان وادی قدرت بچوشش حرکت آیند و در جشن
 عیش و عشرت حضرت احدیت حاضر شوند آنچنانکه آوازه امر الله شرق و غرب را احاطه نموده وصیت عظمت
 جمال ابی جنوب و شمال با بکرکت آورده آنگاه تقدیس است که از اقلیم امریکت بلند است و نعره میبهار ابا
 است که از دور و نزدیک متصل بکلا اعلی شرق منور است غرب مطهر است جهان بمنبر است نهات یقینه
 مبارکه مشک او فرست غنقریب ملاحظه میباید که اقلیم امریکت روشن گشته و کشور اروپا و افریکت گلشن و گلشن
 شده ولی چون آغاز طلوع این مهسرتابان اراق ایران بود و از آن خاور با حشر اشراف فرمود آرزوی دل و جان چنان است
 که مشک آتش عشق در آن خطه و دیار شده و تر باشد و نور آیت امر مبارک پدید تر و لوله امر الله غلغله در ارکان آن کشور آید
 در رعایت کلمه الله چنان جلوه نماید که آن تسلیم مرکز صلح و صلاح گردد و راستی و آشتی و مهر و وفای یعنی ایران سبب
 حیات جادوان جهانیان گردد و علم صلح عمومی و امان و در رعایت مصلحت در قطب امکان برافزاید .

در آستانه دومین سال نقشه جلیله بیت العدل اعظم الهی

دکتر محمد تقی

کاروان ستاینندگان اسم اعظم در سرتاسر جهان با عزمی راسخ طریق نه ساله را بسوی سعادت و افتخار طی مینمایند .
فارسان دلیر این لشکر نجاج با قلبی طافح از اطمینان سمنده غیرت و همت در میدان خدمت به جولان آورده و در راه وصول با اهداف مهمه نقشه بدیمه الهیه مشتاقانه پیش میروند
ندای جانفزای " الوحا الوحا یا معشر المؤمنین و المؤمنات العجل العجل یا عباد الله و امامه فی المدن و الدیار قوموا علی النصر بکلیتکم و دعوا الدنیا و زخر فها عن ورائکم و اترکوا اوطانکم و اوکارکم و ذوی قرابتکم و شدوا ظهرکم و بلفوا الناس ما بلفکم ربکم و بارئکم و بشروهم بما وعدکم مقصودکم و محبوبکم " در عالم طنین انداز و هر لحظه بر تعداد مجاهدین این جند هدی افزوده میگردد .

در آستانه دومین سال این جهاد روحانی دورنمای حیرت انگیز این مشروع عظیم جهانی در قبال قیام دسته جمعی یاران الهی با شکوه و جلال هرچه بیشتر جلوه گری مینماید .
اجرای این نقشه ملکوتی مستلزم قیام و مشارکت عموم افراد احبای الهی است که بصون و عنایت رحمانی و اشارات مصرحه بیت العدل اعظم پس از یک قرن از نزول کتاب مستطلاب اقدس در پایان نقشه نه ساله منجر باعلاء کلمة الله و اتساع دائره امرالله خواهد گردید .
سپاهیان فیور با صفوف منظم در ظل تأییدات غیبیه جمال اقدم ابهی با اجراء اهداف این نقشه جدیده نایل آمده و هر یک بسهم خود از طریقی شایسته برای وصول به این مقصد اعزاعلی بذل سعی و مجاهدت مینمایند .

بدون شبهه امر مقدس بهائی مراحل باقیه در سبیل رشد و نمای خود را بمرور زمان با اجراء اولین نقشه بیت العدل اعظم و سایر مشروعات مهمه این مرجع مصون از خطا طی خواهد نمود و بشارات و وعده هائی که از کلک مولای اهل بها ارواحنا لرمسه المقدسه فداء صادر گردیده یکی بعد از دیگری تحقق خواهد یافت دوره مجهولیت و مظلومیت سپری خواهد شد و مراحل

آهنگ بدیع

انفصال و استقلال و رسمیت امر الهی ظاهر خواهد گردید و این مراحل خطیره با استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی مؤسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی منتهی خواهند شد .

مفتخر و سعادتمند افرادی خواهند بود که در طریق نقشه الهیه حرکت نمایند و با کوشش و مجاهدت اثری جاویدان در طی مراحل رشد و نمای امرالله از خود بیادگار گذارند .
احباء ثابت قدم ایران در طی سالی که گذشت با وقوف کامل بر دقایق و نکات مهمه این نقشه جلیله بهمراه این کاروان السهبیه راه افتخار و عزت ابدیه را پیش گرفتند و در ضمن ایفای وظایف محسوله انجام خدمات بزرگتری را متقبل گردیدند . همچنانکه در صدر امر شجره لاشرقیه و لاغربیه در اثر سقایه خون مطهر بیست هزار شهید در مهد امرالله ثمره الهیه خود را به جهانیان عرضه نمود اینک نیز انتظار بیت العدل اعظم از یاران ممتحن کشور مقدس ایران آنست که در قبال اولین نقشه اولین دیوان عدل الهی با جانفشانی و فداکاری باعث ظهور ثمرات عالییه و نتایج حتمیه آن گردند . پس بیایید این بار نیز دعوت حق را لبیک گفته و در این سال جدید تصمیمات جدیدتری اتخاذ نمائیم و پیشاپیش این کاروان و در صف مقدم آن در راه وصول با اهداف مقدسه اش صمیمانه مجاهدت نمائیم .

زبان به تبلیغ گشائیم و ابواب تأیید بروجسه خود مفتوح داریم و مطمئن باشیم که " هدایت نفوس بصراط مستقیم مغناطیس تأیید الهی است .

در امر مهم مهاجرت تعمق بیشتری نمائیم و از توطن در شهرهای بزرگ پرجمعیت احتراز کنیم و زندگی حقیقی و معنوی را برزندگی مادی ترجیح داده و موفق به کسب رضای مولای توانا در عالم بالا گردیم و این بیان مبارک احلی را پیوسته مطمح نظر قرار دهیم قوله الاعلی :
" ان الذین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الامر یؤیدهم الروح الامین " فصل جدیدی در تاریخ امر برای ثبوت خدمات و مجهودات دلدادگان جمال جانان گشوده شده است و فرصت مناسب و موقعیت مفتتنی برای نهضت و قیام عشاق دلبر آفاق بوجود آمده است . " فرخنده نفسی کسه در این روز فیروز و عصر جهان افروز ساعات و دقایق گرانبهای خویش را صرف اعزاز و اشتهار و استخلاص و نصرت و استقلال این آئین اعظم الهی بفرمود و خجسته قلبی که بجز بسط دعوتش در این جهان تنگ و تاریک تمنا و آرزویی نکرد . "

جناب لوئی گریگوری

سریسلسله ایادی امرانه از نژاد سیاه



Louis G. Gregory

” از واقعه مؤلمه صعود خادم عزیز امرلنه لوئی گریگوری که قلبی نیر و روحی مستبشر داشت و در بین احبای سیاه پوست سرآمد اقران و موجب فخر و مباحثات آنان بود کمال تأسف حاصل . فقدان این نفس جلیل که همواره مورد اعتقاد و عنایت حضرت عبدالبهاء بود سبب حزن شدید گردید . فی الحقیقه این بزرگوار سریسلسله ایادی امرالله از نژاد سیاه محسوب و نسل آینده بهائیان قاره افریقا بذکر او مباحثات کرده باو تأسی خواهند جست . شایسته است بیاس مقام بی نظیر و خدمات باهره این نفس جلیل محفل تذکری در مشرق الاذکار منعقد گردد ”

۱۶ اگست ۱۹۵۱ شوقی

جناب لوئی گریگوری در تاریخ ۶ جولای ۱۸۷۴ در ” چارلزتون ” واقع در ایالت کارولینای جنوبی امریکا پا بعرصه وجود گذاشت . پدرش هنگامیکه بیش از پنج سال از سن او نمیگذشت دارفانی را وداع گفت و مادرش تا هنگام ازدواج مجدد زندگی بسیار سختی را باتفاق دو کودک خردسالش گذرانید بطوریکه ایام را به تهی دستی و حتی گرسنگی سپری میکرد . ناپدری لوئی نهایت محبت را باو داشت و وقتیکه لوئی بسن رشد رسید او را بشا گردی در خیاطخانه ای سپرد و کمی بعد مغازه تحصیلی او را برای یکسال در دانشگاه فیسک FISK بعهده گرفت . لوئی شخصا خود را اداره

آهنگ بدیع

میکرد و بواسطه بروز استعداد و لیاقت و همچنین تصدی نظافت و اطوکشی و خیاطی کردن برای دانشجویان و گاهی پیشخدمتی در مدت تعطیلات تابستان موفق بد ریافت مدد معاش از دانشگاه مذکور گردید .

پس از خاتمه تحصیلات و دریافت دانشنامه از دانشگاه فیسک " FISK در مؤسسه فرهنگی اووری AVERY بتدریس پرداخت . مؤسسه اووری يك مدرسه كوچك خصوصی بود که بوسیله اهالی شمال برای کمک به محصلین با استعداد و سعی اداره میشد . لوثی قسمتی از تحصیلات خود را در این مدرسه انجام داده بود . پس از مدتی تدریس در این مدرسه بمطالعه و تحصیل علم حقوق در دانشگاه " هوارن " پرداخت و در ۲۶ مان ۱۹۰۲ مفتخر به دریافت درجه " ال . ال - بی " از دانشگاه مذکور گردید و بعد از گذراندن امتحانات لازمه در شهر واشنگتن D. C. با شرکت يك حقوقدان دیگر موسوم به چیمز کاب COBB شروع به انجام کارهای حقوقی نمود . این دو نفر بشرکت خود تا سال ۱۹۰۶ ادامه دادند . در سال مذکور مسترگریگوری در اداره خزانه داری ایالات متحده شغلی برای خود پیدا کرد .

چیمز کاب شریک مسترگریگوری که بعداً به شغل قضاوت اشتغال جست در باره مشارالیه

چنین مینویسد :

" از افتخارات زندگی من این بود که از سال ۱۸۹۵ تا کمی از وفات مسترگریگوری با او آشنا^{قبل}ی و معاشرت نزدیک و صمیمانه داشته باشم من او را بعنوان يك محصل معلم حقوقدان - خلیپ و بالاخره دوست و رفیق میشناختم او در هر سمت و مقامی که داشت مردی نیرومند و ^{جسته}بشمار میآمد . بعبارت دیگر مسترگریگوری يك محصل خوب و فعال با خصوصیات اخلاقی دوست داشتنی و فکری بزرگ و عالی بود که آنرا به سعادت و آسایش نوع بشر تخصیص داده بود . هر کس از ما که با او آشنائی داشت چاره ای جز نوحه و ندبه در مصیبت فقدان او ندارد تنها تسلی خاطر ما آنست که مسترگریگوری عمر طولانی خود را بخوبی و موفقیت بسر آورد و فی الحقیقه در زمره کسانی که زندگی و حیات ملت آمریکا را نیرو و وسعت بخشیده اند محسوب است ."

مسترگریگوری برای اولین بار در سال ۱۹۰۸ زمانیکه در خدمت دولت بودند ای امرالله را شنید . مشارالیه همواره با محبت و سپاسگزاری فراوان از يك نفر سفید پوست تحصیل کرده که همکار اداری او بوده و برای اولین بار توجه او را نسبت بامرالله جلب کرده بود یاد مینمود . این شخص روزی بمسترگریگوری گفته بود :

آهنگ بدیع

” من فکر میکنم دیانت بهائی چیزی است که مورد توجه و علاقه شما قرار خواهد گرفت من خیلی پیر شده ام و تحقیق در این باره برایم میسر نیست اما شما مستر گریگوری جوان هستید و من خیلی مشتاقم که اینکار را شما انجام دهید “

اگر چه آن مرد محترم خود موفق باقبال و ایمان نشد و لکن سبب آشنائی و تماس لوئی گریگوری با جناب ژوزف هانن و خانم HANNEN که از اعیای شهر واشنگتن D. C. بودند گردید .
مستر هانن و خانم ایشان حقایق امرالله را برای جناب گریگوری توجیه و زیبایی های تعالیم بهائی را در حیات روزمره خود برای او مجسم و مصور نمودند و بدین وسیله قلب وی را بمفناطیس محبت الله ربوندند . سپس اولین لوح مبارک حضرت عبدالبهاء بافتخار لوئی گریگوری بواسطه
مستر هانن واصل و زیارت گردید .

در باره ایام طفولیت و جوانی جناب گریگوری فعلا اطلاعات کمی در دست است . در تصویر مادر ایشان علائم و آثار محبت عمیق و لطف معنوی مشاهده میشود از پدرشان عکسی بجای نمانده است . وقتیکه ملاحظه میکنیم چگونه مستر گریگوری کمال آمادگی و استعداد را برای درک و قبول تعالیم بهائی از خود نشان داده آنوقت میتوانیم بفهمیم که تا چه اندازه حیات روحی و معنوی او عمیق و وسیع بوده است . بدون شك خالق یکتا او را با سرنوشتی بزرگ و عظیم بمعالم بشری عنایت فرمود و مسلما در مستقبل ایام در ردیف یکی از ممتازترین و برجستهترین افراد نژاد خود شمرده خواهد شد . در جواب عریضه ای که لوئی گریگوری پس از اقبال و ایمان بامبارک بحضور حضرت مولی الوری تقدیم داشت هیکل اطهر مشارالیه را به هدایت و دلالت و نژاد سفید و سیاه دعوت میفرمایند . در این لوح مبارک مرکز میثاق خطابی بدین مضمون میفرمایند :

” ای طالب حقیقت . نامه ات رسید و از مضامین آن که دلالت بر فوز آنجناب بمقام هدایت کبری مینمود اطلاع حاصل گردید . شکر خدا را که به چنین موهبتی فائز شدی و به شاهمراه ملکوت راه یافتی و بشارت ملکوت ابهی استماع نمودی . این موهبت آسمانی سبب عزت و سرور ابدی در دو جهان الهی است . امیدم چنانست که مبشر ملکوت گردی و سبب شوی که سفید و سیاه از اختلاف نژادی چشم پوشند و به حقیقت انسانیت که عبارت از اتحاد عمومی یعنی یگانگی نوع بشر است ناظر شوند زیرا این هم آهنگی و اتحاد سبب وحدت عالم انسانی و موجب ظهور عنایت پروردگار در انجمن بنی آدم است . مختصر آنکه نظر به ضعف قوا و استعداد و لیاقت محدود خود نکند بلکه توجه به عنایات و قدرت حضرت باری نماید زیرا تأیید او شدید است و

آهنگ بدیع

و قدرت و قوتش بی مثل و نظیر " (ترجمه)

جناب گریگوری دو سال پس از ایمان با مر مبارک با قلبی آکنده از آرزو و تمنا از حضور حضرت مولی الوری اجازه تشرف باستان مبارک خواست و در جواب لوح دیگری در اوائل سال ۱۹۱۰ بافتخارش نازل شد . در این لوح مبارک مرکز میثاق خطاب بمشارالیه چنین میفرمایند :

" اجازه خواسته بودی که به این ارض مقدس مسافرت نمائی و زیارت عتبه مقدسه نائل گردی این مسافرت و زیارت اکنون مقتضی حال و موافق حکمت نیست موکول بوقت مناسب دیگری نمائید " (ترجمه)

در تاریخ دهم آوریل سال ۱۹۱۱ فضل و موهبت الهی شامل شد و هنگامیکه حضرت مولی الوری در رمله اسکندریه تشریف داشتند لوئی گریگوری بشرف لقا فائز گردید . بر اثر زیارت محبوب خود در رمله و سپس هنگامیکه در مدینه منوره عکا و حیفا مقام مقدس اعلی و روضه مبارکه را زیارت می نمود از دریای ژرف و بیکران اشراقات و تأییدات الهی و همچنین از بحر مواج عهد و میثاق جرعه ها نوشید . یادداشتهای ایام تشرف و زیارت مشارالیه و منتخباتی از الواح مبارکسه حضرت عبدالبهاء که بافتخار ایشان عزنزول یافته در جزوه ای بنام " دورنمای ملکوتی " چاپ و منتشر شده است .

داستان این زیارت و تشرف در الواحی که در همان ایام از کلک گهر بار مرکز میثاق عزنزول یافته توجیه و توصیف شده است . و از جمله خطاب به یکی از احبای آمریکا چنین میفرمایند .

" جناب گریگوری در نهایت نورانیت و روحانیت وارد و با سرور بی منتهی مراجعت نمود . این زیارت و تشرف بر مراتب ایمان و ثبوت و رسوخ ایشان افزود . بدون شك شما این حالات را هنگام مراجعت مشارالیه بآمریکا ملاحظه خواهید نمود . امیدم چنان است که جناب گریگوری سبب الفت و محبت بیشتر بین یاران شود و خادم حقیقی حضرت رحمن گردد . " (ترجمه)

خطاب به یکی دیگر از احبا چنین میفرمایند .

" جناب گریگوری اکنون در فرح و سرور بی منتهی است . در مدینه عکا زیارت آستان مقدس و روضه مبارکه فائز و اینسک در نهایت شادمانی لیل و نهار با احبای الهی و عبدالبهاء محشور ایشان بزودی مراجعت بآمریکا خواهند نمود و شما احبای سفید پوست باید از این پس چنان احترام و حسن استقبالی نسبت به این فرد سیاه پوست معمول دارید که سبب حیرت و تعجب دیگران گردد . " (ترجمه)

آهنگ بدیع

لوئی پس از زیارت اعتبار مقدسه مستقیماً با ایالات متحده مراجعت نکرد بلکه برحسب میل و اشاره حضرت مولی‌الوری با آلمان مسافرت نمود و در این مسافرت تأییدات شدیدی الهی شامل حالش شد. در لوحی که بافتخار یکی از احبای آلمان نازل شده حضرت عبدالبهاء به شمول این تأییدات اشاره میفرمایند. قوله الجلیل :

" . . . نامه ات رسید و مضامین آن دلالت بر این داشت که جناب گریگوری پس از زیارت بقعه مبارکه قوت و قدرت و حیات جدیدی یافته است هنگامیکه به اشتوتگارت رسید اگرچه از نژاد سیاه بود و لکن چون شعله‌ای درخشان در انجمن یاران نورافشانی نمود (ترجمه) لوئی گریگوری با نورانیت و سرور بی منتهی به اتا زونی مراجعت نمود و در حالیکه با شوق و شور تمام و تصمیمی خلل‌ناپذیر قیام به اجرا و تنفیذ نوایا و آمال حضرت عبدالبهاء نمود. مشارالیه هدف و مقصدی را دنبال کرد که تا آخرین ایام حیات خود برای وصول بآن مداومت نمود و آن عبارت از ایجاد اتحاد بین نژادهای مختلفه کره ارض و کمک در استقرار وحدت نوع بشر در این عالم بود .

در مدت مسافرت‌های تبلیغی حضرت عبدالبهاء در ایالات متحده در سال ۱۹۱۲ جناب علیقلی خان و خانم بافتخار هیکل اطهر ضیافتی در شهر واشنگتن ترتیب دادند. بسیاری از شخصیت‌های برجسته و محترم باین مهمانی دعوت شده بودند برخی از مدعوین از ماورین دولتی و مسئولین امور اجتماعی شهر واشنگتن بودند و تعدادی از احباب نیز حضور داشتند. درست یکساعت قبل از ناهار هیکل اطهر پیامی بجناب گریگوری فرستادند و دستور فرمودند که مشارالیه برای شرکت در کنفرانس معهود باید بحضور مبارک برسد. لوئی در ساعت مقرر بحضور مبارک مشرف شد و کنفرانس معهود شروع و ادامه یافت در حالیکه بنظر میرسد هیکل مبارک میل با ادامه آن داشتند صرف‌نظر از اعلام شد و حضرت مولی‌الوری بطرف اطاق ناهارخوری تشریف فرما شدند و سایر مدعوین هم‌پناستثنای لوئی گریگوری بدنبال هیکل اطهر روانه گردیدند. همه مدعوین در سر میز ناهار نشسته بودند که ناگهان حضرت عبدالبهاء قیام نموده با طرف نظر افکنده و سپس خطاب بجناب علیقلی خان فرمودند " مستر گریگوری کجا است؟ مستر گریگوری را بیاورید " جناب علیقلی خان در این هنگام هیچ چاره‌ای جز اینکه به ترتیب شده مستر گریگوری را یافته و بحضور مبارک بیاورد نداشت. خوشبختانه لوئی هنوز آن محل را ترک نکرده بود علیقلی خان ایشان را ملاقات نمود و متفقاً باطاق ناهارخوری وارد شدند. حضرت عبدالبهاء که فی الحقیقه

آهنگ بدیع

میزبان واقعی مجلس بودند در این موقع محلی را برای نشستن جناب گریگوری ترتیب دادند و صندلی سمت راست حضرتشان را بعلامت احترام به لوثی عنایت و سپس اظهار فرمودند که بمی نهایت از حضور ایشان در این جمع مسرور و مشغوفند و بعد در حالی که گویا اصلا امری اتفاق نیفتاده است شروع به ایراد خطابه ای در باره وحدت عالم انسانی نمودند .

در لوحی خطاب جناب گریگوری و خانمش که در اوائل سال ۱۹۱۴ نازل شده حضرت مولی الوری چنین میفرمایند :

" ای دو نفس مؤمن بالله همواره بیاد شما هستم و شما را بخاطر آرم . از درگاه حق رجا نمایم که سبب ایجاد محبت و وداد بین دو نژاد سفید و سیاه گردید زیرا شما خود آیتی از این مقصد جلیل هستید . . . مطمئن هستم که فکر و ذکر شما لیل و نهارا متوجه هدایت و دلالت نفوس اعم از سیاه و سفید است . لهذا باید در نهایت فرح و انبساط باشید زیرا در این مقصد عظیم تأیید شدید خواهید یافت . " (ترجمه)

در سال ۱۹۲۰ وقتیکه امة الله میسیس اگنز پارسونز MRS. AGNES PARSONS —بزیارت حضرت عبدالبهاء در ارض مقدسه فائز شد هیکل مبارک بمشارالیهها دستور فرمودند که اولیین کنفرانس ایجاد دوستی اتحاد بین دو نژاد سیاه و سفید را در شهر واشنگتن D. C. افتتاح نماید. میسیس پارسونز با همکاری یک کمیسیون فعال به تشکیل این کنفرانس موفق شد . کنفرانس مذکور در ماه می / ۱۹۲۱ در واشنگتن منعقد و با موفقیت برگزار گردید و در آن نمایندگان مهم و برجسته ای از دو نژاد سیاه و سفید شرکت داشتند . این کنفرانس اولیه نمونه جلسات مشابه پیشماری گردید که در شهرهای کوچک و بزرگ در سرتاسر ایالات متحده امریکا و کانادا در سنین آتیه منعقد گردید . جناب گریگوری از جمله ناطقین این جلسه بودند و جریان انعقاد آنرا برای مجله نجم با ختر مرقوم داشتند .

بجزرت میتوان گفت که هیچیک از مبلغین بهائی باندازه جناب گریگوری بکلیه نقاط ایالات متحده امریکا مسافرتها تبلیغی و تشویقی نکرده است . مشارالیه در نهایت سادگی و فداکاری زندگی کرد و در سرتاسر ایالات متحده در مدارس کالج ها کلیساها و دانشگاهها بایسراد خطابه پیرداخت و با افراد مختلفه نیز بطور انفرادی مذاکرات امری مینمود . با حالتی مملو از خضوع و شجاعت و پراز لطف و اراده و استقامت با طبقات مختلفه از عالی و دانی غنی و فقیر عالم و اسی ملاقات میکرد و جرعه ای از ماء حیوان هدایت کبری را بر آنان میذول میداشت . در

آهنگ بدیع

گریگوری هرگز هدف و مقصد اساسی را از مد نظر دور نداشت . مشارالیه عضویت محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا انتخاب و سالیان متمادی در کمال جدیت و وفاداری بخدمات روحانی و اداری قائم بود . پس از انتخاب ایشان حضرت شوقی افندی ضمن توقیعی عضویت مشارالیه را در محفل روحانی ملی تبریک و اظهار سرور فرمودند و لکن اراده و میل مبارک را مبنی بر ادامه خدمات تبلیغی و تقدم آن بر سایر خدمات امریه گوشزد و دستور فرمودند که سایر وظائف امریه لوئی گریگوری بنحوی ترتیب داده شود که بهیچ عنوان خدمات و مسئولیت های اداری مانع و رادع خدمات مؤثر و شربخش تبلیغی ایشان نگردد . جناب گریگوری موفق شدند که این میل و اراده هیکل اطهر را با ترتیب دادن مسافرتها دائمی تبلیغی در فاصله انعقاد جلسات محفل روحانی ملی تحقق بخشند .

از خلال تواقیع منیعه متعدده ای که طی سالیان دراز از کلک گهر بار مولا ی مهربان بافتخار مستر گریگوری نازل و از زحمات و خدمات مشارالیه تقدیر فرموده اند ارزش مجاهدات صمیمانه و ارزنده ایشان را توان سنجید . لوئی گریگوری همواره وسیله سرور و انبساط خاطر مبارک را فراهم میآورد . در یکی از توقیعات منیعه حضرت ولی عزیز امرالله که بافتخار مشارالیه نازل شده چنین میفرمایند :

مدارس پروتستان کاتولیک و یهود و همچنین در انجمن های غیر مذهبی ایراد خطابیه مینمود و در همه جا با حسن استقبال مستمعین مواجه میشد . روح لطیف و پراز امید او ابواب فتح و پیروزی را جهت کسانی که بدنبال او قیام و اقدام بر تبلیغ میکردند مفتوح میساخت بسیاری از مبلغین بهائی که در صد دریافتن فرصتی برای ابلاغ کلمة الله با فراد بوده اند این کلمات را از طرف مقابل خود دریافت داشته اند : . بله ما جناب گریگوری را میشناسیم و او را صمیمانه دوست داریم . اگر شما هم از دوستان ایشان هستید از ملاقات شما بسیار خوشحالیم . ”

مدت ۳۵ سال لوئی گریگوری خواه بعنوان رئیس کمیته ملی محبت نژادی یا یکی از اعضای آن منشاء و سرچشمه واقعی فعالیت های مربوط به محبت و اتحاد نژادی در آمریکا بود . بعنوان رئیس کمیته مذکور یا عضو آن و یا بعنوان يك فرد جناب گریگوری بنحوی خستگی ناپذیر به فعالیت های خود برای ترویج اتحاد و محبت بین دو نژاد ادامه میداد .

مدرسه بهائی گرین ایکر GREEN ACRE شاهد تعدادی از کنفرانسهای وحدت نژادی بوده که در آنها رهبران برجسته دستجات مختلفه با تفاق جناب گریگوری که قوه محرکه و موجد این کنفرانسها بوده پشت تریبون قرار گرفته و ایراد خطابه میکردند . مستر

آهنگ بدیع

از مؤسسه علمی و فرهنگی سیاهان موسوم به تامسکاچی TUSKEGEE بازدید نمود . در این بازدیدها از مشارالیه درخواست شد که بیاناتی در خصوص دیانت بهائی برای محصلین مؤسسه ایراد نماید . عکس العمل مستمعین نسبت باصول و مبادی دیانت بهائی فوق العاده مطلوب و رضایتبخش بود . در اینجا مسترگریگوری با نابغه برجسته و موحد سیاهپوست بنام دکتر جورج واشنگتن کارور DR. CARVER که نهایت ستایش و تمجید را نسبت بامبارک ابراز داشت آشنا شد و این آشنائی آغاز یک دوستی روز افزون و پرخیرو شرفیما بین آنان گردید .

اطاعت محضه از او امر و دستورات حضرت مولی الوری حضرت شوقی افتدی و پیروی از تعالیم و مبادی بهائی آنچنان در حیات روحانی لوتی گریگوری تمرکز و تجسم یافته بود که در اوج آسمان خدمت و عبودیت موفق به برافراشتن پرچمی شد و در این فضای وسیع بچنان مقام ممتازی رسید که احدی را یارای همانندی و هم پروازی با او نبود . لوتی از خود صبر و حوصله بی حد و حصر نشان میداد زیرا ایمان او برای وصول به آرزوها و آمال روحانیش چنان قوی بود که باو وسعت نظر و سعه صدر عطا مینمود و سبب میشد که با هر

” وصول رقیمه آنجناب مورث قوت و سرور قلب گردید . این عبد بحضور آن یار عزیز اظهار مطلبی ندارم جز آنکه از خدمات روز افزون شما بامر مبارک حضرت بهاء الله که با مداومت شجاعانه و حکمت کامله و فعالیت خستگی ناپذیر و محبت شرفه حقیقیه تسوأم است قلبا ستایش و تمجید نمایم . نمیدانید که چه معاون و مددکار شایسته ای بجهت این عبد در ایفای وظائف خطیره اش هستید (ترجمه)

استمدادات و تظاهرات روح لوتی گریگوری متنوع و گوناگون بود زیرا مشارالیه لیاقت و استمداد خود را بنحو یکسان در انجام وظائف محوله خواه بعنوان نماینده یا منشی کانونشن ملی یا خلاصه نویس محفل روحانی ملی یا خطیب و یانویسنده ابراز میداشت مقالاتی از ایشان در مجله نجم باختر STAR OF THE WEST و مجله بهائی BAHAI MAGAZINE و مجله نظم جهانی WORLD ORDER و تقریبا در تمام مجلدات کتاب عالم بهائی مندرج است این مقالات نظیر نطق هائی که لوتی گریگوری ایراد نموده عمیق و حاکی از حقیقت و مملو از روح محبت و سعه صدری که مشخص و معرف حیات اوست میباشد .

مستر گریگوری دوبار بنا بدعوت مریسی عالقدر سیاهپوست بوکر واشنگتن

BOOKER

WASHINGTON

آهنگ بدیع

چنان بود که احدی انتظار صعود ناگهانی را نداشت. درست یک هفته قبل از صعود جلسه ای در منزل خود ترتیب داد و آنرا شخصا اداره نمود و در آن حفله در خصوص نبوت کتب مقدسه و اهمیت و ارتباط آنها با این یوم مبارک با حاضرین به بحث و مذاکره پرداخت. لوثی در حالیکه پشت میز تحریر خود نشسته بود با لبخندی گرم و محبت آمیز بهمه خوش آمد میگفت. با آن وقار و متانت روحانی وصف ناشد نیش که از عوالم روحانی عظیمی حکایت مینمود جلسه را با سرور و بشاشت اداره کرد. جسد لوثی در ایلیوت واقع در ایالت مین در تاریخ اول اگست / ۱۹۵۱ - بخاک سپرده شد. جلسه تذکری بیاد بود او در اطاق بزرگ "خانه دوستی" منعقد شد که در آن نه فقط اعضای جامعه بهائیی ایلیوت بلکه جم غفیری از دوستان غیر بهائی که قبلا در مدرسه بهائی گرین ایگر حضور یافته بودند شرکت داشتند. در سالی گه جلسه تذکر منعقد شده بود لوثی گریگوری بکرات جلسات تبلیغی بیوت تبلیغی و کنفرانسهای را راجع به دوستی و محبت نژادی اداره کرده بود و کاملا مناسب بنظر میرسید که در این محل زیبا ندای دعا و مناجات دوستان در سپاسگزاری از حیات پر ثمر و برکت چینی - شخصی که بین آنها زندگی کرده بود بلند گردد

(بقیه در صفحه ۳۴)

مخالفت یا تعصبی با تفاهم کامل و رضایت خاطر مواجه شود. قلب او کانون حرارت و آتش بود اما او به نوایای قلبی حضرت عبدالبهاء آشنا بود و این آتش درونی را به شعله ای از نور و روشنائی مبدل میساخت. هنگامیکه يك عمل جراحی سخت و سپس ضعف روز افزون جسمانی مانع مسافرتهاى تبلیغی او شد و مسترگریگوری را مجبور به اقامت در ایلیوت و قناعت کردن بمسافرتهاى کوتاه مدت نمود مشارالیه بمکاتبه با یاران الهی و مطالعه عمیق تعالیم و مبادی امرالله نمود آگاهی و بیداری روحانی و معنوی او روز بروز نمایان تر شد. لوثی روز بروز به محبوب و معبود قلب خود حضرت شوقی افندی نزدیکتر میشد.

هنگامیکه بزنگی لوثی نظری افکنیم این مسئله روشن میشود که مشارالیه کاملا برای آن مرحله از تحول یعنی رهائی از تنگنای عالم خاک که بطور ناگهانی برای این شخصیت عالیقدر و دوستدار بزرگ عالم بشریت که بفرموده مبارک " قلبی منیر و روحی مستبشر داشت " پیش آمد آماده و مهیا بود.

لوثی گریگوری عزیز که مورد تکریم عموم یاران الهی بود در تاریخ ۳۰ جولای / ۱۹۵۱ بطکوت راز پرواز کرد. اگرچه ضعف و کسالت جسمانی ماهها قبل از صعود عارض ایشان بود ولیکن تظاهرات روح پرفتوح و قلب منیرشان

(۱۱)

مکتوبی از جناب آقا سید اسدالدینی

مرقومه ذیل را جناب آقا سید اسدالله قمی که از ملتزمین رکاب حضرت عبدالکبیر جل اسمه الاعلی در سفر غرب بوده اند از بوداپست (مجارستان) خطاباً به احبای بادکوبه مرقوم داشته اند .
تاریخ تحریر این مکتوب ه جمادی الاولی ۱۳۳۱ هجری قمری است .

بادکوبه حضور یاران روحانی روحی لهم الفدا

روحی لخلوصکم فدا بعد از بشارت بشاشت وجه اعزاعلی و طلوع نیر صحت از افق میثاق معروض میدارد چند روز قبل پاکتی از اشتوتگارت ارسال گشت و امروز نیز از بوداپست که مالک مجارستان است بمرض این ذریعه نالایقه جسارت میرود و بشارت ارتفاع امرالله میدهد دیشب مخصوصاً مجلسی منعقد نموده بودند که بنده باین طراز مجلس درهین کجانده بودم میخواهم عرض بکنم چنانچه میگویند مزه و نشئه شرب مدام بدرشد مییاشد دیشب بدرشد رسید مجلسی بود که از توصیف خارج از بدایت خطاباً مبارک الی نهایتاً تقریباً ده دوازده مرتبه تمام اهل مجلس که قریب هزار نفر از هر قبیل بودند در نهایت انجذاب و شور و وله دست میزدند چنان صدای دستک زدن باین مجلس پیچیده بود که گوشها بدر میآمد هرچه بنویسم باز از هزار یک از عهدہ برنیائیم دیشب در آن مجلس این مطلب جلوه نمود که اعیاء الله خطاباً های هر جا را که از فم اطهر صادر گردیده میخوانند ولی حیف که حالت مبارک و اسلوب بیانات مبارک وضع ترتیب مجالس را بنوع وقوع نمی بینند ما هم که ملاحظه مینمائیم تشخیصاً تحریر نمیتوانیم بنمائیم جناب آقا میرزا علی اکبر روحیفداه بدیده خود دیده اند که می قرارند ارند علی قول شاعر :

گوش به بینی یک دم قراریتوانی

روا بود که ببوسی تو نخجوانی را

فی الواقع جناب نجوانی گوی سعادت را از میدان سبقت ربودند بعد از مرخصی آنی آرام و قرار نترفتند در حقیقت تأسی از مرکز عهد الله نمودند و باشر مشی مبارک نعمالابا النفل قدم زدند و راه پیسودند و سفر کردند .

گرکه ننماید سفر خود قرص ماه شبروان را کی درآرد او براه

معلوم شد که هرکس در امرالله نزد یکتر بمركز انواراست از اثر سفر مبارک حالت سفر مییابد و آرام نمیگیرد روزی میرزا علیخان مغفور پدر بزرگوار عزیزالله خان در طهران از نانی پرسید که سبب چه بود که حضرات احباء الله در ایام حضرت اعلی بمثابه پروانه دیوانه وارخو^{بشستن} را بشعله شمع رخ یار میزدند و بمشهد فدا میشتافتند بنده عرض کردم نظر باینکه نفس ظهسور قیام بشهادت کبری کرده بودند و آرزوی شهادت در سهیل جمال قدم و روان داشتند .

چنانچه قوله الاعلی میفرماید : یاسیدنا الا کبر قد فدیته بکلی لک و رضیت السی فی سبیلک بمتمنیت الا القتل فی محبتک الی آخر قوله تعالی حال اگر بدیده بصیرت ملاحظه بنمائیم باید ماها می قرارنگیریم و ائمامد رسفر عمر خود را بگذارانیم زیرا شنیده و دیده ایم که در ظاهر طلسمات عبدالبهاء در حالت نقاهت که ابداحالت حرکت نداشته در ظاهر جسد اقوه یکساعت طی مسافت

نداشتند سفر باین مطلق را قرار فرمودند و می آرام نگرفتند هیچ شامی در این مدت سر بیالیسین راحت نگذاردند عودت از سفر کلیفورنیا قبای تن مبارک بدرجه بود که نمیشد نگاه کرد . فینه شتند مبارک سر مبارک را مجروح کرده بوداعتنا فرموده بودند و ملاحظه فرموده بخته فینه را بردا

و بسرشان دست مالیدند فرمودند سر ما را حصیر فینه زخم کرده است پرو یک فینه بیاور تا رستم فینه آوردم دیدم حصیر فینه را از میان کشیده اند باز همان فینه را گذارده اند باری مقصد اینست که ماها که خود را ثابت بصهد الله میدانیم باید از آنچه را اراده فرموده است بخواهیم هزار مرتبه بل متجاوز از لسان مبارک شنیده شده امروز روز تبلیغ است باید احباء الله همت و بذل جان و مال لاجل هدایت خلق بنمایند بنده زیاده فرصت ندارم و بجنابان بعد از خواندن این عریضه خدمت جناب حاجی امین روحیفداه بعشق آباد ارسال دارند و حضرت امین بعد از تلاوت ارسال^{مشهد}

کنند تا خطابه های مبارک که بعد از پاریس از قم مرکز تقدیس در اشتوتگارت و مجارستان که بود است است برسد انشاء الله از عکسهاییکه در این موارد برداشته اند ارسال خواهد شد فی الواقع ششسوری دیگر و حشرونشوری دیگر و تجلی دیگر است الله اعلم . نایب مناب کل احباب وکل را بعرض خلوص ناگر و مکبر خواهیم گردید از قرار معلوم تا او اخر ماه جمادی الا ولی در این صفحات و پاریس و شاید اول جمادی الا اخر عازم حیفاشوند . زیاده عرضی نیست فدای وجود کل جان اسدالله فی جمادی الا ولی ۱۳۳۶

بهار

مظفر قمرانی

بیا که موسم دی رفت و تو بهار آمد
بیا که نوبت پایان انتظار آمد

خوشاست اگر چه بهاران ولی چه خوشتر از آن
که در بهار جمال حق آتشکار آمد

هزار خرمن گل شد نثار مقدم پیار
چو او به باغ بصد شوکت و وقار آمد

حجاب گل چو زرخ برفکند بسسار بهار
ز شوق نغمه زمان هر طرف هزار آمد

چو از شکوفه درختان شدند زینت باغ
شگفت لاله بگلزار و گل بیسار آمد

چنانکه نور سحر مزده میدهد از شمس
بشیر شمس بهها باب کردگار آمد

بیمن مقدم رضوان بخاک درگه دوست
"مظفر" از ره اخلاص جان نثار آمد

مژده

مژده یاران بهار میآید
نغمه خوش زشش جهت برخاست
باغ شد سبز و راغ ترازه و تر
سنبل و سوسن و بنفشه و گل
طوطی و کبک و بلبل و سارنگ
میدهد مژده عندلیب که باز
هله ای عاشقان حضرت دوست
ملجأ هر ضعیف و هر مظلوم
در جوار مقام ربّ جلیل
رایت وحدت جمیع ملل
غاور و باختر بهم نزدیک
آنچه فرموده قائم و قیوم
حافظ امر حق بنص کتاب
اسم اعظم جمال غیب قدم
که بنای عظیم بیت المدد
بشنو اکنون ندای بیت المدد

موکب شهریار میآید
که جهانرا قرار میآید
گل سوری بهار میآید
به زیرار و پیار میآید
هدهد و چوک و سار میآید
شاه والا تبار میآید
شاهد گمزار میآید
مأمن هر فکار میآید
پیک پروردگار میآید
محکم و استوار میآید
دریمین و یسار میآید
یک بیک آشکار میآید
صاحب اقتدار میآید
گفت آن روزگار میآید
بجهان پایدار میآید
صوتش از هر دیار میآید

هان "حیاتی" بگوش جان بشنو
که صلا ی نگار میآید

سید حسن حیاتی

جشن روز ملی جوانان بهائی
تجربش با حضور جوانان
نواحی مجاوره



اعضاء لجنه جوانان بهائی ضیاء اباد



جمعی از جوانان کرمان در کلاس تزئید معلومات

لجنه جوانان بهائی دزاشیب (حومه طهران)

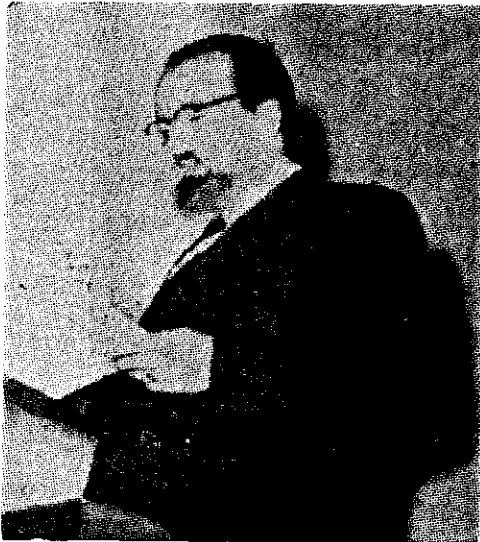


لجنه جوانان بهائی حسین اباد لویزان

الساندرو بوزانی

ALESSANDRO BAUSANI

زندگی و آثار یک دانشمند ایرانی



Alessandro Bausani

جناب پروفیسور الساندرو بوزانی از دانشمندان و شرق شناسان معروف و برجسته ایتالیا هستند که دارای مقام علمی و معروفیت جهانی میباشند. ایشان مدت‌هاست که در تشکیلات محلی و ملی ایتالیا بخدمت امرالله قائمند و در چند سال اخیر بعضویت محفل روحانی ملی ایتالیا مفتخر بوده اند. شمه ای از خدمات امری ایشان در شماره ۳ سال ۱۵ آهنگ بدیع" درج شده است ایشان تاکنون چندبسیار بکشورهای شرقی از جمله ایران مسافرت کرده اند شرح حال و مؤلفات ایشان طی مقاله مبسوطی بقلم

خادم امرالله جناب دکترحشمت بؤید در شماره های ۸ و ۹ سال ۱۳۴۲ مجله " راهنمای کتاب" درج شده است که برای اطلاع احبای الهی و معرفی مقام علمی ایشان خلاصه ای از آن زیلا نقل میگردد :

پروفیسور بوزانی که موضوع این مقاله میباشد هرچند در ایران بدنیایا نیامده ولی حیات و سرمایۀ جان و قدرت دماغی و ذهن و قلم خویش را وقف ایران کرده و در خدمت بادبیات فارسی و شتھر ساختن نام شاعران و متفکران این سرزمین خدمات درخشانی انجام داده است که در هر صد هزارتن از ابناء خود این آب و خاک يك تن مانند آن را نکرده است. بهمین سبب پروفیسور بوزانی خویشتن را ایرانی میدانند و چند سال پیش از این که در دانشکده ادبیات طهران نطق عمیق و پرفایدت خود را راجع به " ایران و اسلام و ایطالیاد در قرون وسطی" (۱) ایراد نمود در آغاز از (۱) - مجله دانشکده ادبیات طهران . سال پنجم ص ۱۲۴ - ۱۱۱ ر . ک . نیز ص ۲۶۰

آهنگ بدیع

پیدا کرده اند قطعا کما بیش از غرور و نخوت و خود پسندی پاره ای از آنها بشدت متأثر و رنجیده خاطر گشته و دیده اند که بعضی از افراد این گروه چه اهمیت و اعتباری برای خود قائل اند و رفتارشان بخصوص با شرقیها چقدر زشت و زننده و متکبرانه و منهت از حس تفوق جوئی احمقانه است. هرکس که بوزانی را از نزدیک می شناسد و چند ی با او معاشرت داشته است میدانند که وی برخلاف گروه مزبور مظهر سادگی و بی ادعائی و فروتنی است بحدی که گاهی شاگردان تازه وارد بدانشگاه که او را قبلانمی شناخته اند در برخورد اول وقتی خنده و گفتگو و شوخی و رفتار صمیمانه اش را با دانشجویان می بینند گمان میکنند که او هم یکی از محصلین یا کارمندان است. این صمیمیت و سادگی بوزانی در آمیزش با شاگردان و کارمندان و حتی فراشان دانشگاه بقدری است که گاهی این اشخاص مقام بزرگو و شخصیت محترم استاد و حقارت خود را فراموش میکنند و در رفتارشان بی ادب و گستاخ میشوند.

این صفت پرفسور بوزانی را محبوب القلوب ساخته و همه کس را خواه غربی و خواه شرقی شیفته و مجذوب او نموده است. وی مزاح و بذله گو و شوخ طبع است محضش گرم و سخنش گیرا و دلنشین است. از صرف وقت برای یاری و همراهی دوستان خود ولو در امور

رژیمس دانشکده از راه شوخی گله کرد که وی را در معرفی کوتاه خویش خارجی خوانده است علاقه فکری و قلبی استاد بوزانی با دبیسات فارسی و هنر و آداب ایران و ادبانی که از ایران برخاسته و پرتو بهمان باختزده ارادت و اخلاص حقیقی است مهریست که بپایه ایمان رسیده و تا رو بود وجود بوزانی را فرا گرفته و فکر و روح و فعالیت قلم و زبان او را در خدمت خویش گماشته است.

اطلاع و دانش بوزانی مبتنی بر مطالعۀ مقالات و کتب درست یا نادرست مؤلفان شرق شناس نیست بلکه علاوه بر آن ناشی از تحقیق و تدقیق در اصل متون ادبی و دینی و فلسفی شرق است که در تماس زنده با مردم شرق و مسافرت های عدیده بکشورهای شرق استحکام یافته است.

وی در زمره خاورشناسانی است که علاوه بر منابع غربی از تحقیقات بیست سی سال اخیر دانشمندان ایرانی هم کاملاً آگاه است و کتب و مقالات فارسی را میخواند و در نوشته های خویش از آنها استفاده می برد.

از جمله صفات ممتاز پرفسور بوزانی یکی فروتنی و بیبرائی و سادگی اوست که راستی کمتر نظیر دارد بلکه بکلی نایاب است. از میان خوانندگان کسانی که روزگاری در فرهنگستان بوده و با گروه باصطلاح شرق شناسان آشنائی

آهنگ بدیع

ناچیز و بی ارزش که لایق شأن و مقام او نیست
در بیخ نمیورزد . گاهی ساعات متوالی از وقت
خویش را صرف میکند تا آشنای تازه واردی را در
شهر رم گردش دهد و دیدنیهای این شهر
ابدی را به او نشان بدهد .

اما وسعت علم و اطلاع بوزانی ^{نیست} مطلبی

که شرح آن در این مقاله بگنجد و این کار
اصولا در قدرت نگارنده نیست خاصه در این
هنگام که دسترسی بشخص وی ندارم تا هرچه
لازم است بپرسم و یادداشت کنم . کارپرفسور
بوزانی منحصر بمطالعه در فرهنگ ایران و
دیگر ممالک شرق نیست بلکه رشته های متعدد
و متنوعی را شامل است که گاهی هیچگونه ^{سببی} مناسبتی
میان آنها نیست . وی علاوه بر السنه و
ادیان که دو رشته عمده و اصلی مطالعات
اوست تحقیقات دانشمندان را در پاره ای از
شعبه های علوم طبیعی هم با علاقه یك مرد
مطلع و بصیر دنبال میکند . تشنه دانستن
است و نمیگوید نوق یا استعداد فلان رشته
را ندارم بلکه تا حدی که فرصت وی اجازه دهد
با حرص و ولع شدید مطالعه میکند و هر معلوم
تازه ای را می بلعد و هرگونه دانشی را بگنجینه
سینه که در وسعت دریا و در سختی و پایداری
سنگ خارا است میسپارد . از جهت تبحر در
زبانهای مختلف و تاریخ عقاید و ادیان و ادبیا
ملل گوناگون بوزانی از اعجوبه های روزگار است

اگر اشتباه نکنم بیست و پنج زبان را درست
میشناسد و به متجاوز از سیزده زبان میتواند
روان تکلم کند . یکی از این زبانها که شماره
گویندگان آن قلیل و نامش نیز براکثری از مردم
مجهول میباشد زبان (باسکی) است که تقریباً
هفتصد هزار نفر در اسپانیا و بیست هزار نفر
در فرانسه بآن گفتگو میکنند (باسکی تنها زبان
غیرهند و اروپایی موجود در مغرب اروپاست که
ظاهراً با زبانهای قفقازی نسبتی ندارد و از
امتزاج زبان قبائل لیگوری (سکنه اطراف خلیج
بیسکایا) با زبان واسکن ها که در قرن ششم
میلادی این ناحیه را گرفتند پدید آمده است
خلیج بیسکایا در جنوب بکوههای شمال اسپانیا
و در مشرق بسواحل غربی فرانسه محدود است
باسکی ها مردمی هستند که نه تنها از حیث
زبان بلکه در آداب و رسوم و علائم نژادی و
مشخصات قیافه هم با دیگران متفاوتند)
بوزانی بزبان چینی آشناست و از فلسفه و
تعلیمات اخلاقی مذاهب و ادیان چین و ژاپن
بحد یك استاد متخصص آگاه است . تاریخ
سیاسی و ادبی این ملل را درست میدانند و روابط
میان آنها را خاصه با هندوستان و فرهنگ
این سرزمین کلامی شناسد . بجمع دانستنیها
مربوط بهرملت و هر قرن و عصری که باشد
علاقه مند است و با استعدادی عجیب که
حافظه ای خارق العاده پشتیان آنست تاریخ

آهنگ بدیع

سیاسی و ادبی همه کشورهای راطالعه نمود هیا می نماید و درباره هر یک از اقوام قدیمه خواه سومریان و مصریان و طوایف سامی و عسواه در باب اقوام آریائی شرق خواه روم قدیم یا یونان باستان و خواه ملل و تمدنهای منقرضه قاره امریکا خواه ژرمنهای قدیم و خواه ملل ترك زبان آسیای مرکزی خلاصه راجع بسرگذشت دست کم اقوام و تمدنهای معروف گذشته و معاصر عالم صاحب نظر است . ولی شکی نیست که تخصص و اطلاع اساسی او همچنانکه در دورشته است یکی علوم ادبی و دیگری علم ادیان و در این دو رشته چنانکه خواهیم دید دارای عالی ترین درجات دانشگاهی و صاحب تألیفات و مقالات فراوان است .

در قسمت علوم ادبی اگر دایره اطلاع بوزانی را تنگ تر کنیم شامل دو قسمت اساسی میشود یکی تاریخ ادبیات و السنه ملل اروپائی خاصه روم قدیم و ایتالیا که میهن اوست و دیگری ادبیات و زبانهای ملل شرقی بخصوص ایران که وطن روحانی او محسوب میگردد . پرفسور بوزانی زبانهای انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و اسپانیائی و پرتغالی و روسی و یونانی را (وقطعا زبانهای چکی و لهستانی و اسکاندیناوی را هم) خوب میدانند و سخت ترین کتب و متون را باین زبانها میخوانند . کسانی که هفت هشت زبان فرنگی بدانند در اروپا نایاب نیستند ولی غالب

آنها فقط قادر بتکلم یا خواندن روزنامه ها و مطالب ساده در این زبانها می باشند و عمرشان در حقیقت فقط بفرارگرفتن خود زبانها گذشته است بدون آنکه از ادبیات و فرهنگ آن زبانها آگاه باشند ولی برای استاد بوزانی زبان اصل غرض نیست بلکه وسیله است . وی ادبیات قدیم و جدید موجود در این زبانها را درست و بدقت می شناسد و شعرا و نویسندگان هر کدام را بزبان اصلی خوانده است و مثلا چنانکه نگارنده شخصا دیده و شاهد بوده ام وقتی گفتگو از ادبیات آلمانی پیش می آید وی اشعار شاعری سخت و معما آمیز و دیر آشنا مانند هلدرلین - HOL- DERLIN را که حتی خود آلمانیها بجز طبقات عالیشان نمیخوانند و نمی توانند بفهمند از برمیخواند تا چه رسد بقطعات معروف از شاعرانی چون گوته و شیلر . یا وقتی بعنوان مهمان و کاملا تصادفی در جلسه درس زبان شمالی یا اسکاندیناوی قدیم * ALT- NORDISCH حضور می یابد نه تنها بمطلب کاملا وارد و قادر باستفاده از افاضات است است بلکه میتواند در بحث شرکت جوید و همه حضار را از عمق اطلاع و نظر خویش متحیر سازد اما در خصوص زبان ایتالیائی و تاریخ فلسفه و هنر ادبیات ملت خویش گمان میکنم حاجت بتوضیح نباشد که وی بجمیع دقائق و

آهننگ بدیع

میان زبانهای شرقی بزبان و ادبیات فارسی
دلبستگی خاصی دارد و این رشته را در دو
دانشگاه ایتالیا تدریس می نماید این نکته
درست است و ایران و فرهنگ ایران زمیسن
درحقیقت هسته اصلی و مرکزی تحصیلات و
تحقیقات وی را تشکیل میدهد ولیکن کار او -
محدود باین مقدار نیست . محدودیت اصولا
مخالف با روح و فکر بوزانی است و او دائما
میکوشد تا بزبانها و فرهنگهای جدیدی دست
یابد و هرگز بآنچه آموخته است قناعت نمیورزد
و از حرکت باز نمی ایستد . از شخصی شنیدم
که بوزانی در هر سال یک زبان جدید می آموزد
و ادبیات آن زبان را ولو در ابتدا باختصار
باشد مسخر ذهن خود میسازد در این روایت
حقیقتی هست و استاد ما اگر هر سال نباشد
ولی قطعا در هر سه چهار سال زبانی تازه
می آموزد و راه بعالمی جدیدی می یابد . اطلاع
او از زبان عربی بحدی است که توانسته است
کتابی عظیم و ابدی و سراسر اسرار چون قرآن
مجید را به ایتالیائی ترجمه کند و شرح و
توضیح دهد .

زبان ترکی را شنیده بودیم که نمیداند .
تصادفا دو سال پیش يك استاد دانشگاه -
استانبول از ناپل میگذشت و در همان شب
جشن اقبال شاعر بزرگ پاکستان برپا بود
و در این جشن پرفسور بوزانی نطقی جامع

و اسرار مباحث آن مسلط است . اگر گذارشما
بشهر رم افتاد و توانستید ساعتی با استاد
بوزانی بگردش در یکی از هزاران گوشه تاریخی
این شهر ابدی بپردازید خواهید دید که وی
هر سنگ و خشت از آثار کهنه این شهر را می
شناسد و میتواند تاریخ هر کوی و برزن و کاخ و
کلیسا و ویرانه و ستون و نقش و کتیبه و در و
دیوار موجود در این شهر را برای شما بشرح
بگوید و دفتری از تاریخ این سرزمین کهنسال
در برابر رویتان بگسترد و بدیهی است که
همین تبحر خارق العاده را نسبت بآثار
مکتوب زبان مادری خویش در همه مراحل و
اعصار و داراست و از مندرجات و سبک و
ارزش و مرتبه آنچه که تاکنون باین زبان زیبای
شاعرانه و پیش از آن بلاتین نوشته اند آگاه
است . باری اگر بیش از این از جامعیت
و وسعت اطلاعات این مرد دانشمند در فرهنگ
و تاریخ اروپا بگویم سخن دراز خواهد شد و
بیم آن دارم که این مقدار هم از تاندازه ^{صله} حو
و قبول مردمی که بندرت دانشمندی بسزرگ
دیده اند که افقی چنین وسیع و عالمگیر داشته
باشد تجاوز نموده باشد و آنرا اغراق پندارند
اینست که از این مقوله میگذرم و بوصف دامنه
مطالعات و آگاهی استاد از زبانهای شرقی
می پردازم .

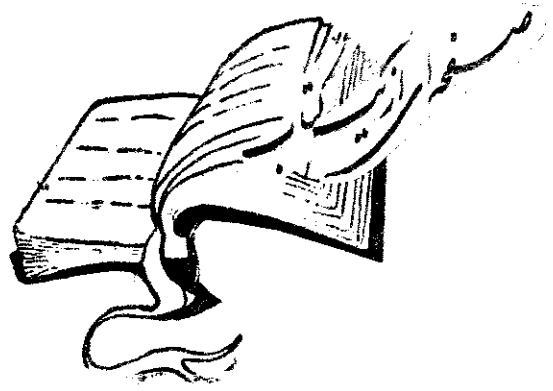
همه شنیده اند و میدانند که بوزانی در

آهنگ بدیع

در باره آن مرد نامور ایراد نمود . جوانی که در دانشگاه ناپل سمت معاون (یا باصطلاح اسیستان) زبان ترکی را دارد مأمور همراهی با آن استاد ترك بود . پس از خاتمه جشن این شخص مایل بگفتگو با بوزانی شد و همه تصور میکردیم که حالا یا باید آن جوان معاون مترجم شود تا در استاد بزبان فرانسوی با هم حرف بزنند ولی دیدیم که نمیدانمهای بوزانی صرفاً شکسته نفسی و خضوع و شاید نسبی بوده است . زیرا نه ترجمه لازم شد و نه تکلم بفرانسوی بلکه بوزانی بترکی شروع بحرف زدن کرد و چنان بی اشکال حرف میزد که جوان مزبور دچار حیرت و خجلت گشت . باری علاوه بر این سه زبان تا آنجا که من میدانم بوزانی اردو و هندی و پشتو و سندی و بلوچی و شاید مقداری دیگر از زبانهای محلی هند و پاکستان را میداند . دستور زبان سانسکریت را در موقع و محلی آموخته که شایان ذکر و نمونه ای از علاقه و همت و استعداد اوست . در زمان جنگ مدتی در سربازخانه بوده و هر شب بقاعده معمول یک یا دو ساعت در مستراح کشیک میداده و در آن هنگام بیست و یکسال سن داشته است . بوزانی گرامر سانسکریت را که دیگران سالها صرف تحصیل آن میکنند درست در همین ساعات نامناسب و ناپسند و پراز زجر و گرفتاری و دلهره فرا گرفته است باری استاد در سه چهار سال اخیر زبانهای اندونزی و مالزی را هم یاد گرفته است و پارسال که نگارنده در ایتالیا بودم قرار بود که وی بسمت سفیر علم و دانش ایتالیا مسافرتی بآن ممالک بکند و در دانشگاه های آن کشورها خطباتی ایراد نماید . آخرین تألیف وی هم مربوط باد بیات مالا یا و عبارت از مجموعه ای منتخب از حکایات ادبی آن زبان است که استاد به ایتالیا ترجمه نموده و با مقدمه و توضیحات مفید منتشر کرده است . آخرین مقاله ای هم که از او چاپ شده بحثی است در خصوص ساختمان حکایت کلاسیک در ادبیات مالزی

NOTE SULLA STRUTTURA DELLA
HIKAYATI CLASSICA MALESE

این وسعت روز افزون دانش و همتی که در تحریر مقالات و تألیف یا ترجمه کتب و ایراد نطق های علمی بخرج میدهد باضافه حس ابداع و تازه جوئی او که آثارش را صبنه اصالت می بخشد و شیوایی خاصی که در سبک تحریر بکار میبرد و نوشته های خود را گرم و گیرنده و دلکش و عاری از خشکی و زمختی و ملال انگیزی کتب علمی می نگارد جمله این صفات و خصائص باعث گشته که پروفیسور بوزانی امروز در جهان خاورشناسان مقامی بس ارجمند احراز نموده است و پاره ای از آثار او را اهل فن مطلقاً بدع و بی نظیر می شمارند و ترجمه آنرا بزبانهای دیگر توصیه میکنند و مؤلف را در بعض رشته ها اول استاد جهان غرب میشناسند . گمان میکنم همین مقدار در معرفی کلی استاد بوزانی کافی باشد اگر چه هنوز بسیار نکته های گفتنی دیگر هست که در اینجا از ذکر آن باید چشم پوشید (بقیه در شماره بعد)



مخاضرات

” مخاضرات نام کتابی است که فاضل جلیل جناب اشراق خاوری علیه بهاء الله در دو جلد و در مسواضیح متنوعه تألیف نموده اند مطالب ذیل که از جلد اول کتاب مذکور نقل شده حاوی بشاراتی از کتاب ” عهد جدید ” در باره ظهور حضرت رسول اکرم میباشد ..

یکی از احباء الهی فرمود اناجیل و منضمت آن هم آیا مسانند تورات از تألیفات بشری است یا بوچی الهی چنانچه مسیحین امروز معتقد هستند نوشته شده و فراهم گردیده است ؟

یکنفر از حاضرین فرمود لوحی در این خصوص از جمال مبارک جل جلاله زیارت کرده ام که میفرماید ایند اناجیل بعد از حضرت مسیح بواسطه شاگردان آن حضرت نوشته شد شأن نزول این لوح مبارک اینست که یکی از احباء الهی موسوم بحکیم حیمیم در باره آیه مبارکه قرآنیه که فرموده ” مبشر برسول یاتی من بعدی اسمه احمد از محضر مبارک سؤال کرده که چنین مطلبی در اناجیل موجود نیست و مقصود از آیه مبارکه کدام فقره انجیل است لوحی مفصل در جواب وی راجع باین سؤال و سئوالات دیگرش نازل گردیده قسمتی از آن لوح مبارک اینست قوله تعالی :

سؤال ثانی از آیه مبارکه فرقان بوده که میفرماید قوله تعالی شأنه و تعالی سلطانه و ان قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدق لما بین یدی من التورات و مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جائهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین و مقصود شما از این سؤال آنکه این فقره در انجیل نبوده و نیست و مع ذلك رسول الله صلوات الله علیه در فرقان ذکر فرموده بلی هذا حق نعمترف به، ولکن حضرت نفرموده است که در انجیل نازل شده

آهنگ بدیع

انا نشهد بانه قال قد تكلم عيسى بن مريم بما انزله الرحمن في الفرقان و البته آنچه فرموده و در فرقان من لدى الرحمن نمازل شده صدق محض بوده و خواهد بود چه که اطلاع بر علوم مستوره و احاطه بما حدث و يحدث في الابداع غير حق نداشته و نخواهد داشت و حق تعالی شأنه باصفیا و انبیای خود آنچه را بخواهد وحی میفرماید و تعلیم میدهد ائمه لهوالعلیهم الحکیم و این آیه مبارکه منزله از اموراتی است که حق تعالی شأنه برسول خود اخبار فرموده و اینکه در انجیل نیست این دلیل بر عدم تکلم حضرت مسیح بمقاد آیه مذکوره نبوده و نیست چه که اناجیل اربعه بعد از آن حضرت نوشته شده و یوحنا و لوقا و مرقس و متی این چهار نفر بعد از مسیح بیانیکه او آنحضرت در نظرشان بود نوشتند تا اصحاب آن حضرت بقرائت آن و تفکر در آن مشغول شوند و بسیار بیانات آن حضرت است که از نظر آنها محوشده و بسیار بیانات فرمودند که هیچ يك از این نفوس مذکوره اصفا نموند ما اطلع بما نطق به المسيح الامن ارسله و علمه و ایده و جز حق تعالی علمه احدی بر جمیع امور عالم نبوده و نیست اوست عالم و محیط و دانا و توانا و جمیع زرات شهادت میدهند که علم او سبقت گرفته کل اشیا را و محیط بر کل و ائمه لهوالفرد الواحد المقدر المبين العليم الخبير قلم اعلى میفرماید حق جل جلاله در هر ظهور تصدیق کتب خود را که از قبل نازل شده نموده چنانچه رسول الله روح ماسواه قده تصدیق تورات و انجیل فرموده اند و همچنین در این ظهور تصدیق فرقان و ماونه از کتب مقدسه شد و لکن توراتی که حق قبول نموده نفس کلماتی است که از لسان من کلم من عند الله جاری شده این مقام حال مختصر ذکر شد اگر حق جل جلاله بخواهد از بعد مفصلاً از قلم اعلى جاری خواهد شد . "انتهی .

اگر چه اسم احمد بصراحت در انجیل جلیل مذکور نیست و لکن بشارت ظهور محمد رسول الله بنص صریح الواح مبارکه الهیه در اناجیل مندرج و مذکور گردیده از جمله کلمه فارقلیت است که آن را روح تسلی دهند ترجمه کرده اند و حضرت عبدالبهاء جل ثنائیه در ضمن لوحی بتفصیل ثابت فرموده اند که مقصود از روح تسلی دهند حضرت رسول (ص) است

طلوع یوم جدید

قسمت دوم

ایادی امرالله و پیام سیرز

ترجمه دکتر ماهر فرقانی

ساعت موعود فرا رسید

~~~~~

متجاوز از یکصد سال بشریت از پیام حضرت بهاء الله فقلست  
ورزیده است . عالم انسانی با وجود کلیه بشارات و مواعید نازله در  
کتاب مقدسه درباره یوم موعود و با وجود اندازات صریحه حضرت مسیح  
که می فرماید :

” مراقب باشید چه که شما نمی دانید ساعت موعود کی فرا خواهد  
رسید ” برای تحقیق و مطالعه درباره تعالیم حضرت بهاء الله  
هیچگونه اقدامی بعمل نیاورده است .

حضرت بهاء الله خطاب به کلیه سلاطین شرق و غرب فرمودند :  
” ثم استبصروا فی امرنا و تبینوا فیما ورد علینا ثم احکموا بیننا و  
بین اعدائنا بانعدل و کونوا من العادلین . . . . . انهم (الرعیة)  
خزائنکم ایاکم ان تحکموا علیهم بمالا حکم به الله و ایاکم ان تسلموهم  
بایدی السارقین بهم تحکمون و تاکلون و تغلبون و علیهم تستکبرون  
ان هذا امر عجیب ” ( لوح ملکه ویکتوریا )

حضرت بهاء الله در همان ایامی که در سجن عکا مسجون بودند  
صریحا به سلطانی که فرمان مسجونیت آن حضرت را صادر کرده بود  
اعلام نمودند که آن شکنجه ها و مسجونیت ها بهیچوجه قادر نبود  
آنحضرت را از ابلاغ پیام الهی بازدارد آن حضرت صرفا به بیاناتی  
ناطق بودند که از جانب خداوند قادر متعال الهام میشد باین امید  
که شاید یکی از سلاطین و امرا و یا یکی از ملل و اقوام بحمایت امرالله

و تبلیغ و تبشیر کلمة الله قیام نموده عالم بشر را از چنگال مصائب و بلایا نجات بخشد .

ابلاغات حضرت بهاء الله بسلاطین و امرا موکد و مصرح بود آن حضرت تصریح فرمودند که تا وقتی علائق محبت و یگانگی بین قاطبه اهل عالم تشدید نشود / تا زمانی که ملل عالم جهت استقرار صلح با همکاری دوستانه متحد نگردند / تا هنگامی که حقوق حقه تمامی افراد بشر علی الخصوص طبقات فقیر و پائین اجتماع تأمین و تضمین نباشد و بالاخره تا وقتی که اهل عالم و علی الخصوص زمامداران - قوم مصالح شخصی و منافع دنیوی را فراموش و حیات خویش را بر اساس اراده و رضای الهی استوار ننموده اند قلمرو و مستملکات آنان و لذات و افتخارات آنان کلابوسیله " صاحب تاکستان " ( مسیح ) اخذ و بآن نفوس شایسته و برگزیده ای تفویض خواهد شد که از مصائب و بلیات عظیمه ای که بشر بدست خود برای خویشتن فراهم خواهد نمود مصون مانده قرین فلاح و نجات گردند .

حضرت بهاء الله خطاب بسلاطین فرمودند :

" تا الله لانريد ان نتصرف في ممالككم بل حثبنا لتصرف القلوب

طوبى لملك قام على نصرة امرى في مملكتى "

حضرت بهاء الله بکمال صبر و حوصله منتظر نتایج این ندای الهی شدند و بالاخره مهر سکوت را شکستند :

" يا ايها الملوك قد قضت عشرين من السنين و كنا في كل

يوم منها في بلا\* جديد . . . و انتم سمعتم اكثرها و ما كنتم من المانعين بعد الذي ينبى لکم بان تمنعوا الظالم عن ظلمه و تحكموا بين الناس بالعدل ليظهر عدالتكم بين الخلايق اجمعين " ( الواح طوك )

و در جای دیگر چنین انذار فرمودند :

" ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمائید که قسم

یاد نموده ام از ظلم احدی نگذرم" و در مقام دیگر با توجه به کوتاهی وقت خطاب بیکی از سلاطین چنین فرمودند :

" ادع الام الی الله العلی العظیم "

حضرت بهاء الله طی این ابلاغات عظیمه این نکته را گوشزد سلاطین فرمودند که قلمرو ارض از آن خداست و سلاطین صرفا نگهبانان این قلمرو الهی محسوب میشوند آنحضرت توضیح فرمودند که قلوب نفوس بمثابة گوهرهای ثمینه و ودیعه الهیه هستند که حکام و امرابایسد بحفظ آنها وفادار بوده اجازه ندهند که سارقین و ملحدین آنها را از کف مالک اصلی آن یعنی خداوند بریابند .

حضرت بهاء الله بسابقه فضل و عنایتی که بذاتی محروم اجتماع داشتند سعی فرمودند که توجه پیشوایان آنان را با همیست سرمشق و نمونه بودن جلب نمایند ولی چون زمافداران عالم نسبت بمواعظ و انذارات آن حضرت بی اعتنائی نمودند حضرت بهاء الله با همان شفقت و مرحمت توجه خود را بذاتی ساده و پائین معطوف ساخته گوشزد نمودند که تا وقتی که آنان نیز سوی خدا اقبال نمایند در مسائل و مشاغل روزافزون مستغرق خواهند شد .

همان مدنیت مادیه که در نظر آنان چنان ارزنده و فریبنده مینماید علیه خود آنان برخواهد خاست و بجای رحمت موجب زحمت خواهد گردید .

این مدنیت مادیه باعث توسعه ادوات حربیه ای خواهد گشت که بشر را بزانو در خواهد آورد و این بنویه خود موجبات تطهیر آنان را فراهم خواهد ساخت تا شاید بدینوسیله قلوب آنان بیشتر استعداد قبول پیام الهی را حائز گردد .

حضرت بهاء الله توضیح فرمودند که این قضیه ناشی از کینه و نفرت خداوند نبوده بلکه از عشق و محبت الهی سرچشمه می گیرد .

←

## آهنگ بدیع

منشأ و مسئول این مصائب و بلاها خود بشر میباشد نه خداوند قادر متعال . بشر بدست خود و در نتیجه غفلت از قوانین الهی حدوث این مصائب و بلیات را غیر قابل اجتناب نموده است عالم انسانی میتواند از این دو راه سهل و صحیح یکی را انتخاب کند . در هر حال انتخاب با خود او . بشر میتواند با اقبال یا اعراض خود موجبات تسریع یا تأخیر در تأسیس ملکوت الهی را فراهم نماید ولی هرگز نمیتواند از استقرار آن جلوگیری کند . ملکوت الهی دیر یا زود بالاخره تأسیس خواهد شد و اگر هم بوسیله نسل حاضر تأمین نشود بوسیله نفوسی که از مصائب و بلاهای ساخته بدست بشر رستگار بیرون خواهند آمد مستقر خواهد شد .

نستند

حضرت بهاء الله از اعراض سلاطین و امرای ارض بشدت متأسف بودند چه که خوب میدادند که این اعراض و امتناع چه خسران و وبالی برای عالم انسانی در پی خواهد داشت . وقتی حضرت بهاء الله عدم اقبال همالم بشر را بر مقابل اینهمه عشق و محبت ملاحظه فرمودند مانند يك پدر مسئول و دلسوز عواقب این غفلت روز افزون را متذکر گردیدند آن حضرت انداز فرمودند که اگر عالم انسانی راه و روش خود را عوض نکرده آثار عشق بخداوند و عشق بهممنوع را از خود نشان ندهد دفعة خود را " در سایه دود سیاه " خواهد یافت . آثار ذیل شمه ای از اندازات حضرت بهاء الله خطاب بمعالم انسانی است که در آنها صریحاً عواقب غفلت از خدا را گوشزد می فرمایند :

- ۱- قد اتت الساعة وهم يلعبون قداخذوا بنا صيتهم ولا يعترفون ( کتاب مبین ۲۰۳ )
- ۲- قد وقعت الواقعة وهم عنها يفرّون . . . . قل تالله قد نفخ في الصور والناس هم منصعقون کتاب مبین ۲۰۳
- ۳- هذا يوم فيه منعت الابصار و فزع من في الارض الا من شاء ربك العليم الحكيم .
- ۴- قوموا من الاجداث الي متى ترقدون . . . . قل اما ترون الجبال كالصهين والقوم من سطوة الامرهم مضطربون تلك بيوتهم خاوية على عروشها وهم جنود مفرقون .
- ۵- سعی نمائید تا این چند نفسی که باقی مانده باطل نشود . عمرها چون برق میگذرد و فرقهها بر بستر تراب مقر و منزل گیرد دیگر چاره اودست رود و امور از شصت .

مجموعه الواح ۳۳۶

۶- قدر این ایام را بدانید .

۷- آخرتا وقت باقی مانده رجوع کن و فرصت را مگذار "

## آهنگ بدیع

۸- قدمت الجبال و طویت السماء و الارض فی قبضة لوکنتم تعلمون هل لاحد من عاصم لا و نفسه الرحمن الا الله المقتدر العزيز .

این کلمات مهیمنه قهریه از همان قلمی صادر شده که تقریباً نیم قرن تمام چنان عشق و محبت خالصانه ای با اهل عالم ارزانی نموده بود . حضرت بهاء الله نیز عائله فرزندان و هموعان خود را دوست داشت آنحضرت به باغ و بوستان و آبشار و کوهستان و بالاخره کلیه مخلوقات زنده عشق میورزید با اینحال مدت پنجاه سال گرفتار شدیدترین شکنجه ها و مسجونیت ها بود و با وجود تمام اینها آثار عفو و شفقت و عشق و محبت بعالم انسان از قلم آنحضرت همواره باهر و ساطع بود .

می فرمایند :

امروز روزیست که . . . باید نفوس پژمزرده را به نسایم محبت و مودت و میاه مرحمت تازه و خرم نمود .

احبای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید بقسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که زرات تراب آن محل شهادت دهند به خلوص آن جمع .

### اقتدارات ۲۲۰

باید کل بایکدیگر برفق و مدارا و محبت سلوک نمایند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند .

### اقتدارات ۲۲۱

این نوای بلبل زمانی بفریاد عقاب مبدل شد که عالم بشر خود را در دریای تمیشات مستغرق و خویشتن را از استماع ندای احلایش محروم نمود . در اینحال حضرت بهاء الله از نظر حفظ و صیانت جامعه غافل انسانی ناچار از طریق دیگر در صور الهی میدند . آنحضرت اعلام خطر نمودند و عالم انسانی را دعوت فرمودند که چشم بینا و گوش شنوا پیدا کنند با مید اینکه شاید نفوس خواب بیدار شوند و از وادی غفلت بیرون بیایند .

حضرت بهاء الله در مقام دیگر در ایام اخیره حیات خویش خداوند را بشهادت طلبیدند که در اجرای مأموریت مقدس روحانی خود در انتباه عالم انسانی غفلت ننموده اند . میفرمایند :

” آیا بعد از این بیان از برای احدی حجتی باقیست لا و نفس الله القائمة علی الامر ”

( لوح ابن نثب )



## آهنگ بدیع

” مافی الحقیقه در وظیفه انذار عالم بشر و ابلاغ آنچه که از جانب رب مجید مقتدر بان مأمور بودیم قصور نکردیم . . . هل بقی لاحد فی هذا الظهور من عذر لا ورب العرش العظيم قد احاطت الايات كل الجهات والقدرة كل السبريه ولكن الناس فی رقد عجیب ”

حال با اینهمه اندازات صریحه مسئولیت بردوش يك يك افراد انسانی قرار داد بشر میتواند کلام الهی را شنیده توبه نماید و مصونیت یابد و یا میتواند بفغلت و مخالفت یکصد ساله خود باز هم ادامه داده خویشتن را بیش از پیش در ریای آلام و مصائب غرقه نماید اگر بشر طریق ثانی را پیش گیرد باید منتظر وحشتناکترین مصائب باشد مصائبی که هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید بدانها اخبار گردیده است :

انذارات مصرحه در کتب عهد عتیق و عهد جدید بسیار متعدد و زیاد است ولی شاید انذار ذیل بعنوان نمونه در این مقام کافی باشد :

” روز خداوند چون زرز خواهد آمد و در آنوقت آسمان ها بفشافتن از جا در خواهد رفت و عناصر سوخته از هم خواهد پاشید و زمین و متحد ثانش سوخته خواهد گردید . ”

( رساله ثانی پطرس فصل ۳ آیه ۱۰ )

آیا تاکنون در مقام دیگری مسئله برخاستن ابرهای سمی هولناک باین صراحت تشریح گردیده است که می گوید ” آسمان بفشافتن از جا در خواهد رفت و عناصر سوخته از هم خواهد پاشید ” ؟

طلوع یوم جدید  
مممممممممممممممممممممممم

آیا هیچ راه گیزی از این مصیبت وحشتناک وجود ندارد ؟

آیا شایسته است بشر بار دیگر دچار مصیبتی نظیر طوفان نوح گردد ؟

این مسئله که آیا آینده مصادف با مرحله تحقق و بلوغ بوده یا اینکه شاهد بازگشت مجد دبه سفر پیدایش خواهد بود منسوط و مربوط به استقبال یا اعراضی است که نوع بشر از پیام الهی که در این عصر توسط حضرت بهاء الله در عالم ابلاغ و وسیله پیروان آنحضرت در اطراف و اکناف عالم منتشر گردیده از خود نشان دهد امروز برای هیچکس این بهانه نیست که پیام الهی را شنیده است فقط نفوسی از این ندای رحمانی محروم و مضموع میباشند که از نظر روحانی از چشم بینا و گوش شنوا بی نصیب باشند .

حضرت بهاء الله میفرمایند که بشر بمثابة فلز سیاه رنگی است که وقتی در آتش محبت الله

## آهنگ بدیع

قرار گیرد با حرارت و رننگ آن مشتمل و ملتهب گشته و خصوصیات این آتش را بخود می گیرد و میتواند در دست خد اوند بیک آلت ارزنده ای تبدیل شود .

” سوف یطوی بساط الدنیا و بیسط بساط اخر ”

حضرت بهاء الله بیان میفرمایند که نفسی که از ظهور موعود غفلت نماید در حکم مرده خواهد بود حتی اگر بظاهر زنده بوده از مظاهر حیات جسمانی مانند اکل و شرب و مشی بهره مند باشد .  
حضرت مسیح فرمودند : ” بگذار مردگان مردگان خود را دفن کنند اما تو برو و بملکوت خدا موعظه کن ” ( لسوقا ۶۰ : ۹ )

” کسیکه دست را به شخم زدن دراز کرده از پشت سر نظر کند شایسته ملکوت خدا نمیشد ”

( لسوقا ۶۲ : ۹ )

معانی این کلمات روشن است مقصد حضرت مسیح این بود که بگذار آنان که از نظر روحانی به حقیقت ظهور موعود مرده اند مردگان جسمانی را دفن نمایند ولی آنان که با و مؤمن شده اند قدم پیش گذارند و از راه خود برنگردند تا شامد فتح و ظفر را در آغوش گیرند .  
حضرت مسیح امت خویش را چنین انداز نموده :

” پس خود را حفظ کنید مبادا دلهای شما از پر خوری و مستی و اندیشه های دنیوی سنگین گردد و آنروز ناگهان بر شما آید . زیرا که مثل زامی هر جمیع سکنه تمام روی زمین خواهد آمد پس در هر وقت دعا کرده بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزها نیکه بوقوع خواهد پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید .. ”

لوقا فصل ۲۱ آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۶

حضرت بهاء الله خطاب به پیروان حضرت مسیح چنین فرمودند :

” ایاکم ان یمنعکم الذکر من الذکور و العبادة عن المعبود هذا یرکم العزیز الملام . . . ”

اتقروا الانجیل و لاتقروا لسرب الانجیل . . . ”

صبحگاهان زمانی که آفتاب طلوع میکند هر موجود انسانی که از نعمت حیات بهره مند است از خواب بیدار شده از بستر برخاسته لباس پوشیده کار روزانه خود را آغاز مینماید بهمیمن منوال حال که شمس حقیقت حضرت روح و حضرت بهاء الله طلوع نموده کلیه نفوسی که از حیات روحانی برخوردارند شایسته است از خواب غفلت بیدار شده قیام نموده بردای خدمت بحق و خلق سرتدی گشته حداکثر سعی خود را در برگرداندن آن بلای موحش مهاجم بکار برند .

البته این مسئله هم که چه کسی در زمره زندگان محسوب و چه نفسی در عداد مردگان محشور يك سر نهانی است که بین حق و بنده حق مکتوم و مستور است .

مسئولیت من با بیان این داستان پایان میرسد و حال دیگر وظیفه هر شخصی است که راه خود را انتخاب نماید ختم از کتب مقدسه برداشته شده گوش شنوا عنایت گردیده و چشمها باز شده حال دیگر مسئولیت بمسئله هر فردی از افراد بشر قرار میگیرد .

شایسته است نظری بآینده بیافکنیم در حالی که بیانات پولس رسول را بخاطر میآوریم :

” چگونه راه فرار پیدا خواهیم کرد اگر از آن رستگاری عظیم غفلت نمائیم ”

انسان ممکن است با نظر بآینده جز یأس و نومیدی و انهدام چیز دیگری نبیند و یا استقرار ملکوت الهی را بر روی زمین مشاهده نماید این بسته به بصیرت شخص است و منوط باینکه آیا از نعمت شنوائی و بینائی روحانی بهره مند است یا نه . انسان میتواند نقش پسر و یا نقش پدر را در افسانه ذیل ایفا نماید بسته باینکه بحضرت بهاء الله اقبال نماید یا از او اعراض کند اختیار انتخاب با او است . داستان مذکور چنین است :

روزی پدری با پسر جوان خود آهنگ سفر بدیاری صید نمودند و در حین سفر در قله کوهی شب را بروز آوردند . صبح هنگام طلوع آفتاب جای ظلمت شب را گرفت و قله های پربرف کوه را با اشعه نورانی خود روشن و تابناک نمود . وقتی پسر کوچک از خواب بیدار شد فوراً چشمش با آسمان ملتهب و قله های آتشین افتاد و چون به کیفیت تشعشع نور عالم نبود از مشاهده آن منظره بترس و وحشت دچار شد و بر راحت و آسایش که در منزل در مجاورت مادر مهربان داشت غبطه و حسرت خورد و از همراهی خود با پدر در این سفر نادام و پشیمان گردید آنچه را که دیده بود در نظرش بسیار عجیب و بیسابقه می نمود و آنرا فقط حمل بر نزول بلا و مصیبت میکرد تسوده های برف زمستانی که مدت ها بحال انجماد در بالای کوه متراکم شده بودند در اثر حرارت آفتاب آب شده با صدای وحشتناکی بقصر دره پرتاب می شدند و بیش از پیش پسرک جوان را بترس و وحشت می انداختند پسرک جوان از ترس بطرف پدر که در خواب بود دویده با فریادهای وحشتناکی ویرا بیدار نمود : پدر . پدر . بیدار شو . بیدار شو . دنیا با آخرت رسیده پدر چشمان خود را از هم گشود بایک چشم بهمزدن آنچه را که پسرک جوان دیده و شنیده بود دید و شنید . ولی او میدانست که این انقلاب بزودی حیات تازه ای در اطراف کوهستان خواهد میدید با علم و بصیرت باین مسائل پسرک جوان را با دست ساکت نمود چنین گفت : ”

پسر عزیزم این نشانه انتهای عالم نیست بلکه نشانه طلوع يك يوم جدیدی است



عکسهای  
تاریخی

### انجمن شور روحانی مازندران

عکس فوق انجمن شور روحانی مازندران را که قریب چهل سال قبل در حظیرة القدس ساری منققد شده نشان میدهد .

این عکس را جناب عبدالوهاب بصاری از نوشهر ارسال داشته اند که بدینوسیله از ایشان تشکر میشود .

- ردیف نشسته روی زمین (۱) - متساعد الی الله لطفعلیخان نجد (مجدالاطباء) ۲ - متساعد الی الله میرزا مصطفی خان نوری ۳ - متساعد الی الله حاج شیخ زین العابدین ابراری ( شرح حال ایشان در جلد ۵ مصابیح هدایت مندرج است ) ۴ - متساعد الی الله حسن حقیقی ۵ - متساعد الی الله میرزا ذبیح الله درخشان (اعضاء محفل مقدس روحانی ساری)
- ردیف نشسته روی صندلی ۶ - متساعد الی الله میرزا محمد باقر درخشان ( نماینده محفل مقدس روحانی کفشگر کلا ) ۷ - متساعد الی الله آقا زکریا ( نماینده محفل مقدس روحانی پاله زمین ) ۸ - جناب سید جمیل علویان ( نماینده محفل روحانی ماهروزک ) ۹ - جناب دکتر فروغ الله خان بصاری ( نماینده محفل روحانی بابل ) ۱۰ - جناب حاج رسول ممتازیان ( نماینده محفل روحانی بهنمیر ) ۱۱ - متساعد الی الله حاج روح الله احمد نژاد ( نماینده محفل روحانی فریدونکنار ) ۱۲ - متساعد الی الله ولی الله کثیری ( نماینده محفل روحانی عرب خیل ) ۱۳ - متساعد الی الله میرزا علی محمد علویان ( نماینده محفل روحانی شاهی )
- ردیف ایستاده - ۱۴ - جناب اسد الله مشیرزاده ( نماینده لجنه ازساری ) ۱۵ - جناب عبدالوهاب بصاری ( نماینده لجنه تبلیغ ساری ) ۱۶ - جناب آقا بزرگ حافظی ( عضو محفل روحانی ساری ) ۱۷ - جناب سید مهدی خوشنحو ( عضو محفل مقدس روحانی ساری ) ۱۸ - متساعد الی الله دکتر نصر الله نادری ( عضو محفل روحانی ساری ) ۱۹ - متساعد الی الله سید احمد مقدسی ( عضو محفل روحانی ساری )

و برای عروج روح او دست تضرع بدرگاه الهی مرتفع شود .  
در تاریخ ۲۴ نوامبر / ۱۹۵۱ محفل تذکری حسب الامر مبارک از طرف محفل روحانی ملی  
در مشرق الاذکار امرینا منعقد گردید که در آن عده کثیری از دوستان ایالات مختلفه  
و همچنین از نانا دا شرکت داشتند و مراتب تشکر و امتنان خود را نثار روح بزرگ لویی  
گریگوری نمودند .

پس از صعود این خادم برازنده و دلیر امرالله تلگرافی از ساخت مقدس مولای بنده نواز  
عز نزول یافت که زینت بخش صدر این مقال است در این تلگراف شیکل مبارک پس از  
قدردانی از خدمات گرانبهای لویی گریگوری عنوان "سرسلسله ایادی امرالله از نژاد سیاه"  
را به ایشان عنایت میفرمایند .



جوانان بهائی خونیک  
قسمت امری بیر جنس



لجنه جوانان بهائی  
خرمشهر سنه (۱۲)



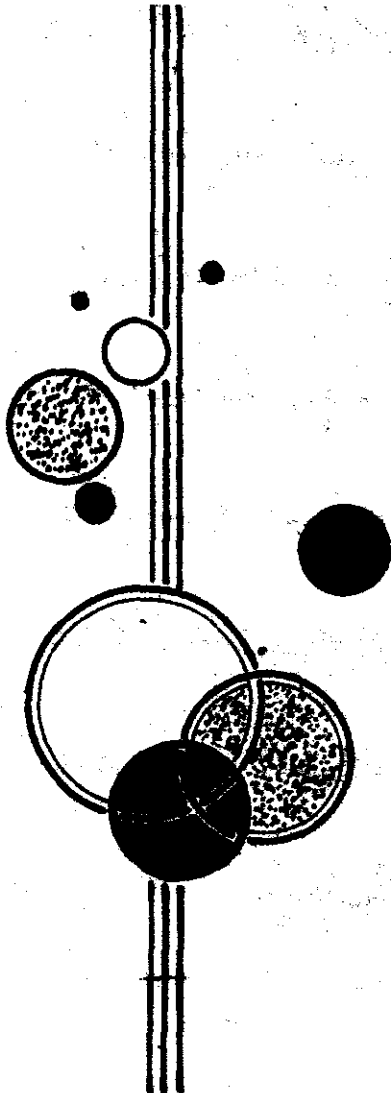
اعتقال جوانان مازگان  
(۱۲ بدیع) (عومه کاشان)

# قسمت نوجوانان

مطالب این قسمت :

لوح مبارک - درقی نو - خط انحر مبارک - شر

شیزینا - سابقه - دستنیا - جدول



جوالتہ

ای جوانانِ مسرینِ نیروان شما باید در این عصر جدید قرن رب میبد جهان منجذب

جمال مبارک گردید و مقنون دلب آفاق شوید که مصداق این شعر گردید :

ای منضم از تو گزشتہ سودای اندر چه عالم مشهور بشیدانی

ای عزیزانِ عبد البہاء ایام زندگانی را فصل برب است جسم و بدیع سن جوانی را توانائی

است و ایام شباب بہترین اوقات انسانی لہذا باید بقوتی رحمانی و قوتی نیروانی توانائی آسانی

و توفیقی بتائی شب و نغمہ گویند تا زینت عالم انسانی گردید و کسر حلقہ اہل عشق و توانائی و بہترین

و تقدیس و تقاضا و بندگی منت و عزم شدید و ولایت فطرت و سمویت و تقاضا بندگی خلق تعالی

درین خلق مبعوث گردید و سبب عزت امرانند شرف مبروحت اللہ گردید و بموجب وصیای و نصیاح جمال مبارک

روحی لاجائز اللہ، روش و حرکت جوید و بخصائص اخلاق بحسانی ممتاز از سایر احراب شوید .

عبد البہاء مقرر آن است کہ حرکت بہتہ کلمات و شیر زبان شود و صوابی فضائل نامہ شکار باشد

و علیکم التیة و الفنا، مع



با شروع سال جدید و انتشار این شماره فصل جدیدی در تاریخ آهنگ بدیع باز میشود و اقدام تازه‌ای آغاز میگردد .

این مشروع جدید که بخاطر حفظ مصالح عالیّه و اجرای خواسته های <sup>پسته</sup> شا نو جوانان و بقصد شادمانی آنان در نیل با اهداف روحانی و کسب کمالات و فضائل انسانی تاسیس میشود ارتباط آهنگ بدیع را با نو جوانان عزیز بیشتر - عمیقتر و مستحکمتر میسازد .

آهنگ بدیع که امسال وارد بیستمین سال حیات خود میشود روز اول بدست جوانان و بهمت والای آنان تأسیس شد و در این مدت نیز با توجه با اهمیت نسل جوان و تاسرحد امان در ترویج مصالح جوانان کوشا و از همکاری و پشتیبانی آنان بهره کافی داشته است انون نیز اگر چه اعضای هیئت تحریریه بتدریج خاطرات جوانی را پست سر میگذارند ولی همواره با اهمیت وظایف طبقه جوان و اهتمام آنان در خدمت بامر حضرت رحمان واقف

بوده و با معرفت کامل باین حقیقت خدمات خود را دنبال میکنند .

سال بسال هر قدمت آهنگ بدیع افزوده میشود بانیان و خدمتگزاران آن نیز یکی پس از دیگری از سنین جوانی دور میشوند ولی آنچه که همیشه ثابت و جاودانی است اهمیت نسل جوان و طبقه نو جوان است .

مدتی مدید است که لزوم وجود نشریه خاصی جهت نو جوانان و پرورش فکر و ذوق آنان بشدت احساس شده و میشود عادت بمطالعه در نو جوانان عزیز روز بروز بیشتر تقویت میگردد حوائج و نیازمندیهای فکری و معنوی آنان هر روز بیشتر توسعه میابد ولی متأسفانه در میان مطبوعات روز افزون که در خارج از جامعه بهائی منتشر میشوند نشریه ای که بتواند با روحیات نو جوانان عزیز بهائی هم آهنگ باشد و احتیاجات معنوی آنان را تأمین نماید وجود ندارد در جامعه بهائی نیز در حال حاضر تعداد کتب و نشریاتی



## آهنگ بدیع

بود نوجوانان عزیز بهائی مستظهر  
و امیدوار است .

این قسمت جدید از همین شماره  
بطور مرتب در هشت صفحه منتشر خواهد  
شد .

هدف قسمت نوجوانان بطور خلاصه  
عبارت از هدایت - تشویق و تعلیم نوجوانان  
در مسائل معنوی - اجتماعی  
و علمی خواهد بود .

در نیل باین هدف از طرق مختلفه از  
قبیل نگارش مقالات - طرح مسابقات و  
تقدیم جوایز استفاده خواهد شد  
وقایع تاریخی امر با تنظیم مقالات ساده  
و متنوع توجیه و محلهائیکه صحنه آن -  
حوادث مهمه در داخل و خارج مهمل  
امر الله بوده معرفی خواهند شد فن  
نویسندگی در نوجوانان مستعد تقویت  
و عزیزانیکه در تحصیلات امری علمی  
و هنری بکسب موفقیتهای شایان توجه  
ناائل آمده اند مورد معرفی و تشویق  
قرار خواهند گرفت .

سمی خواهد شد مطالب این قسمت  
در عین حال که آموزنده است متنوع  
نثر باشد و برای کمک باین تنوع از اشعار  
امری و غیر امری - جدول کلمات - شرح

که حقایق معنوی را بزبان ساده توجیه  
و بتواند برای طبقه نوجوان از نظر مطالعه  
مفید باشد محدود و انگشت شمار است  
یکی از نشریاتی که تا کنون توانسته است  
تا حدودی بر رفع این مشکل کمک کند آهنگ  
بدیع بود که خوشبختانه مورد توجه  
و پشتیبانی طبقه جوان قرار گرفته و لسی  
بطوریکه از پیشنهادات و نظرات واصله  
معلوم میشود مطالب آن برای نوجوانان  
تا حدودی سنگین و غالی از تنوع  
میباشد .

اینها حقایقی است که همه بدانها  
اعتراف میکنیم و با توجه بدانها لزوم  
تأسیس نشریه مخصوصی را برای هدایت  
نوجوانان لازم میشماریم ولی با کمال  
تأسف امکانات محدودی که در حال  
حاضر در جامعه بهائی داریم ما را  
فعلا از دست زدن بچنین اقدامی باز  
میدارد و ما را متوجه میسازد که برای  
تحقق این نوایا از آنچه که موجود است  
کمال استفاده را بنمائیم .

با توجه باین حقایق است که آهنگ

بدیع امروز قسمت مخصوص نوجوانان را  
افتتاح و در ادامه آن پس از تأیید  
الهی بکمک پاران رحمانی مخصوصا

## آهنگ بدیع

و اجتماعی و در اجرای وظائف مقدسی  
که بمنوان يك جوان بهائی بردوش -  
دارند مدد و یاری نماید .

حیات نوابغ و دانشمندان - عکسهای  
جالب و بالاخره هر آنچه که از طرف  
نوجوانان عزیز پیشنهاد و با روش کلسی  
آهنگ بدیع مخالفت نداشته باشد استفاد  
خواهد شد . بطور خلاصه میتوان گفت  
که مطالب این قسمت ضمن آموزنده بودن  
تا حدود امکان ساده - مختصر و متنوع  
خواهد بود .

نوجوانان عزیز ما اعتراف میکنیم که  
مطالبی که در این شماره بنظرتان میرسد  
نمودار کاملی از آنچه که گفتیم نیست ولی  
یقین داریم که مرور زمان و مخصوصا  
استقبال و همکاری شما دوستان جوان  
ما را در انجام این مقصد یاری خواهد کرد  
این قسمت از ان شما و نیازمند مساعدت  
شماست درست است که ما آنرا آغاز  
کرده ایم و اما این شما هستید که میتوانید  
با همکاریهای فکری و معنوی و ارسال اشعار  
و مقالات ما را در ادامه این خدمت کمک  
و مساعدت نمائید .

باشد که بیاری یزدان و مدد دوستان  
یکدل و جسان این بخش جوانان  
جلوه و شکوهی در بین نوجوانان  
نمائید و ولوله و هلهله در انجمن آنان  
اندازد دلهای پر شور و نشاط آنان  
را روشنی بخشد و در حیات روحانی

حضرت ولی امر الله میفرمایند :  
" علوم مادیه عالیه و اطلاعات روحانیه  
و خوش و تحقق در الواج و آثار مبارکه  
و تعلیم اسلوب تبلیغ و تاریخ ادیان  
و تحصیل کتب مقدسه از انجیل و  
توراة و قرآن کل از مبادی اساسیه  
تربیت اطفال و جوانانست و چون  
باین تحصیلات موفق شوند باید  
کلام و بیان را بافعال لایقه و اعمال  
طیبه مزین دارند و اثبات نمایند تا  
از مادیون ممتاز گردند و سر مشق  
سایرین شوند و چون چنین شود  
فوج فوج نفوس اقبال نمایند و هدایت  
گردند از آستان مقدس دعا و استدعا  
نمایم که اطفال و جوانان و سائر  
احباء از رجال و نساء کلا با یفای  
وظایف مقدسه خویش قیام نمایند و در  
اقدامات و مساعی خود موافق و موفق  
شوند .

## خطاب مبارک

ك  
عجالتا ممکن نیست ترتیب اکل و شرب مبارک  
هر چند اگر میهمان نبود نظم و ترتیب  
معینی نداشت اما شستن دست قبل از  
عذا و شستن دهان و دندان بعد از غذا  
حتی بود تقلیل غذا و تغییر مانده در  
مواقع لازمه معمول بود مثلا اکتفا به نان و  
پنیر یا نان و زیتون یا نان خالی در  
بعضی مواقع متداول بود گاهی فقط  
مقدار قلیلی حکیمانه کباب برای خود  
تجویز میفرمودند یگانه نعمتی که در سفره  
مبارک چه در اندرون و چه در حضر و  
مهمان در بیرون همیشه حاضر و مسلم  
بود بهترین قرص نانی بود که اسمعیل  
آقا از روی خلوص و ارادت تهیه مینمود  
يك یا دو قرص همیشه مهیا بود آنرا هم  
اگر مهمانمهایی بودند بهمه حضار  
تقسیم میکردند این نان خالی بقدری -  
لذیذ بود که از نعمتهای دیگر ممکن بود  
صرف نظر نمود هر وقت که در بیرونی در سر  
سفره مینشستند فرمایشات مسرت انگیز  
جریان داشت و اگر مسافری غریب مشرف

بیانات مبارک راجع به حفظ الصحه مکرر  
شنیده میشد و جنبه علمی آنرا در آن زمان  
که طبیب نبودم کمتر بخاطر میسرودم اما  
جنبه عملی که وجود مبارک عامل بودند  
میفهمیدم معایب گوشتخوارگی و فوائد گیاه  
خوارگی با دلائل طبیعی و مزا جسی  
و همچنین براهین عقلی بطور وضوح بیان  
میفرمودند که چگونه جسم انسان استمداد  
مصرف میو جات و حبوبات و سایر نباتات  
را دارد و همچنین میفرمودند چون بمرور  
زمان اعتیاد گوشتخوارگی حاصل شده  
و احتیاج طبیعت به اکل مواد حیوانی  
پیدا شده لهذا نهی آن جاری نشده  
است هیکل مبارک شخصا مواد حیوانی  
کمتر مصرف مینمودند یکنفر از احبای انگلستان  
راجع به حزب گیاه خوار از بنده خواسته  
بود که مطلبی بعرض برسانم و جواب  
مبارک را بنویسم فرمودند حقیقتش این  
است که خوردن حیوانی شایسته نیست  
اما انسان خود را بی جهت مبتلا کرده  
و عادی شده است این است که نهی آن

طبیعت موافق بوده در هنگام مرخصی خود از آن ساحت در وقتیکه طیب شده و نبض مبارك را بمناسبتی حسب الامر لمس نمود ابدًا صلیبت شریان مشاهده نکردم با اینکه در چشمها و قیافه مبارك آثار شیخوخیت نمودار بود و تفصیل آنرا در قسمت آخر این کتاب بعرض میرسانم بسیار بندرت مریض میشدند بقراریکسه میفرمودند در سنوات اول صعود جمال مبارك و در ابتدای نقض ناقضین چند روزی بمرض دولا مبتلا شده بودند و از قرار معلوم دیابت عصبی بوده که بزودی شفا یافته بودند و در اواخر ایام که ایسن عبد مشرف بودم گاهی بزکام مبتلا میشدند و گاهی تبهای خفیف بشکل نوبه عارض میشد اما آن قوه و اراده و قدرت لاهوتی باطنی همواره آن جسم لطیف نحیف ملکوتی را در کمال اعتدال نگاه میداشت و قتیکه در سنه ۱۹۰۹ میلادی مرخص شده بایران میامدم در سن ۶۵ سالگی قامت مبارك مانند خدنگ مستقیم و موزون و صحت مبارك برقرار و حالت مبارك تا بخواهید خرم و سرشار بود .

بودند بجواب سئوالات آنها را بخوشی و غورسندی میفرمودند و سفره طولانی میشد سفره مبارك در اندرون بینهایت ساده بود و مناج ناهار و شام مبارك اگر مهمان نبود از هر پنه تصور نمائید کمتر بود لطافت و نظافت باعلی درجه حکمفرما بود با غذا مختصری آب میسل میفرمودند این بود ترتیب اکل و شرب مبارك پوشاك جسم نازنین هر چه بخواهید لطیف سبك و آزاد بود با اینکه هوای آزاد عكا مانند شهرهای اروپا دود و كثافات هوا نداشت و نسیم لطیف همیشه در مرور بود معذلك روزی دو مرتبه پیراهن عوض میکردند و برای این کار اوقات زیادی مصرف نمیشد زیرا عبا و قبای آزاد بلند و فراخ بدون دکمه های زائد را کندن و پوشیدن زحمت نداشت سفیدی و لطافت پارچه پیراهن و کلاه مبارك چشم را خیره مینمود بیشتر لباسهای مبارك پنبه و ارزان قیمت بود و بواسطه خلت ملبوس جسم نازنین همیشه آزاد بود شالی که به کمر میبستند بسیار شل و نرم بود رنگ ملبوس عموماً سفید شکری رنگ یا نیم رنگ لباس سیاه یا مشکی هرگز ندیدم بپوشند خلاصه آنکه حفظ الصحه مبارك بواسطه تقلیل غذا و سادگی و پاکیزگی بقدری با

# ای کتاب

باز با شمع شوق اندر این شب تار ای کتاب  
 دوش شمع جمع ما بودی و بار خوش سخن  
 دلبرای دلبری دلجوی نیگو منظری  
 هفتسین با من از وقت سحر تا نیمه شب  
 هر چه خواهم از وفاداری به بخشش رایگان  
 می سراشی نسو یارجانی و شفیق و صهربان  
 نیست چون نسو یارجانی و شفیق و صهربان  
 روی نیز افتاده ای آ رام و ساکت نقطه وار  
 هر کسی را عشق نیگوری خوش خود رسراست  
 گشت هر کس همد م تو یافت عز جاوردان  
 منبع علم و کمالی مخزن و فضل و هنر  
 پیش تو خوانند ند سقراط و فلاطون درس علم  
 ظلمت باطل ز رویت منهدم گردید از آن  
 شعله حق گرسینا شد بموسی آشکار  
 آتش ارجعت شد از بهر خلیل الله من  
 هر کس هستی ترا ای یازتین همرازد دل  
 پای دل در بند عشقت شد گرفتار ای کتاب  
 اشب آتش در دل افکندی دیگرای کتاب  
 دل نشینی هم دل آراشی ولدار ای کتاب  
 در نشینم با منی ناصب بیدار ای کتاب  
 داستانها و حکایتها و اشعار ای کتاب  
 گر چه میبینی ز من بس جور و آزار ای کتاب  
 تا بد لشواه رفیق خود کند کار ای کتاب  
 باش تا گردت بگردم همیو پرگار ای کتاب  
 من بدام عشق تو خواهی کوچک و شواری کتاب  
 هم نشینت را نخواهی کوچک و شواری کتاب  
 بهروری اشخاص دانشمند بسیار ای کتاب  
 تا چنین مانند زنده طی اعطاری کتاب  
 کز لقای تست نور حق نمودار ای کتاب  
 از رخت صد شعله سینا پدیدار ای کتاب  
 در تو میبینم هزاران جنت و نار ای کتاب  
 با بهای جان نمودم خریدار ای کتاب

دکتر سیروس روشنی

تذکره

روزی در زمان حیات جمال مبارک جناب مشکین قلم و حاجی میرزا حیدر علی و جناب زین المقربین مشرف بودند جمال مبارک در حال مشی رو بجناب مشکین قلم کرده میفرمایند میخواهی ترا بعالم ملکوت بفرستم عرض میکند غیر قربان میخواهم همین جا در حضور باشم پس از مشی مختصری رو بجناب حاجی میرزا حیدر علی کرده ثانیاً میفرمایند میخواهی ترا بعالم ملکوت بفرستم عرض میکند هر چه امر مبارک باشد حاضرم چند لحظه بعد باز در ضمن مشی جناب زین المقربین را خطاب فرموده میفرمایند جناب زین میخواهی ترا بعالم ملکوت بفرستم جناب زین که کمی کوشش سنگین بود با عجله تمام بمشکین قلم و حاجی اشاره کرده میگوید عرض کنید گوشش کراست ... نمیشنود ... نمیشنود این موضوع خیلی اسباب تفریح خاطر هیگل مبارک میشود .

مسابقه  
شماره ۱

یک شخصیت تاریخی

در اصفهان آوازه امرالله را شنید و بیدرنگ قدم در راه نهاد بحضور جمال مبارک رسید و مدتی در آنجا به خدمت مشغول بود . پس از مدتی مأمور سفر باسلا مبول شد در آنجا ابتداء بواسطه هنر خویش مصروف گردید . و پس از چندی بی محابا زبان به تبلیغ گشود سفیر ایران که منتظر فرصت بود نزد حکومت آغاز بدگویی و تحریک کرده او را متهم به فتنه گری نمود و آنقدر در این مورد پافشاری کرد تا او را تحت نظر گرفتند و با گزارشهای ساختگی ویرا مقصر نشان دادند . باین ترتیب بزدان افتاد . بعد بقبرس تبعید شد . ۹ سال در آنجا بسربرد تا اینکه قبرس از امپراطوری عثمانی مجزی شد . در این هنگام او هم توانست بساحت اقدس در عکا مشرف گردد . بعد از صعود مبارک به هندوستان سفر نمود ولی بحالت کبر سن و اوضاع نامناسب بیمار و رنجور شد حضرت عبدالبهاء او را بنزد خود فرا خواندند و پس از چندی بعالم بالا صعود نمود . وی در خوشنویسی و تذهیب به میرعماد ثانی معروف شد . بحلاوه بسیار خوش صورت و خوش سخن بود .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

بدون نفر از کسانیکه تا ۱۵ تیرماه / ۴۴ جواب صحیح این مسابقه را بما بنویسند دو جلد کتاب نفیس امری اهداء خواهد شد .

آدرس - طهران - خیابان منوچهری - شرکت نونهالان آقای شاهقلی .

# دانشی ها

زنبور عسل  
مهممهممهممهممهممهممهم

يك كند و در حدود ۲۰ الی ۵۰ هزار زنبور عسل دارد که نصف آنها بکارهای داخلی  
کند و میپردازند و نصف دیگر به تولید عسل مشغولند - هنگامیکه هوا خوب باشد ۱۶ الی  
۲۰ هزار زنبور عسل میتوانند طی شش الی ده بار رفت و آمد روی ۳۰۰ هزار الی یک میلیون  
گل بنشینند و کندوئی که دارای ۳۰ هزار زنبور عسل باشد روزی يك کیلو عسل مید  
هد

در باره زبان  
مهممهممهممهممهممهممهم

زبان انگلیسی جمعا در حدود نیم ملیون لغت دارد اما کمتر کسی را میتوان یافت که بیش  
از يك پنجم این تعداد را بداند لغاتی که موجب ازدیاد حجم کتابهای لغت میشوند  
لغات تخصصی مربوط به علوم و حرف مختلفه است که کمتر مورد استعمال عمومی دارد -  
بقرار تحقیقی که یکی از زبان شناسان کرده است مردم بی سواد و کم سواد بطور متوسط بیش  
از ۵۰۰ لغت بکار نمیبرند و يك فرد در طول عمر خود بطور متوسط بیش از یک هزار و در  
بعضی موارد ۱۲۰۰ لغت بکار نمیبرد البته بعضی از زبان شناسان با قسمت اخیر زیاد  
موافق نیستند .

شگسپیر شاعر انگلیسی بین ۲۰ الی ۲۵ هزار و راسین شاعر فرانسوی شش هزار و ویکتور  
هوگو ۲۰ هزار و میلتون شاعر کهن انگلیسی بین ۸ الی ۱۰ هزار لغت در شاهکارهای  
خود آورده اند . ( مجله سخن )

یارد  
مهممهممهممهممهممهممهم

یارد واحد طول چگونه بوجود آمد ؟

واحد های طول در قدیم از طبیعت گرفته شده اند از قبیل کف دست - و جب - پا از همه  
جالبتر یارد است . در حدود نهمصد سال پیش یکی از پادشاهان انگلیسی بنام هانری

( بقیه در صفحه ۴۶ )

( ۴۴ )

# جدول نوجوانان

|    |    |   |    |   |   |    |    |    |    |    |
|----|----|---|----|---|---|----|----|----|----|----|
| ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸  | ۷ | ۶ | ۵  | ۴  | ۳  | ۲  | ۱  |
| ک  | س  | س | ☒  | و | ☒ | ک  | ک  | ک  | ک  | ک  |
| ل  | ط  | ☒ | ل  | ل | ☒ | ل  | ل  | ل  | ل  | ل  |
| ۲  | ۱  | ☒ | ۲  | ☒ | ۲ | ۲  | ۲  | ۲  | ۲  | ۲  |
| ۴  | ۳  | ح | ☒  | ی | ☒ | ۴  | ۴  | ۴  | ۴  | ۴  |
| ۵  | ۱  | ☒ | ۵  | ۵ | ☒ | ۵  | ۵  | ۵  | ۵  | ۵  |
| ۶  | ۲  | ۱ | ۶  | ۶ | ۶ | ۶  | ۶  | ۶  | ۶  | ۶  |
| ۷  | ۱  | ☒ | ۷  | ۷ | ☒ | ۷  | ۷  | ۷  | ۷  | ۷  |
| ۸  | ۱  | ☒ | ۸  | ☒ | ۸ | ۸  | ۸  | ۸  | ۸  | ۸  |
| ۹  | ☒  | ☒ | ۹  | ☒ | ☒ | ۹  | ۹  | ۹  | ۹  | ۹  |
| ۱۰ | ☒  | ☒ | ۱۰ | ☒ | ☒ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ |
| ۱۱ | ☒  | ☒ | ۱۱ | ☒ | ☒ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ |

- ۱ - اگر مفید واقع افتند
- بهترین دوستانند - جسم نیست -
- یکی از حروف الفباء ۲ - حضرت موسی
- (... ترانی) شنید - با علوم میآید
- لذت - ۳ - محبوبترین - ردیف یا
- طبقه - ۴ - انبوه بی پایان - نهاد م
- ۵ - هم رشته مو است و هم از آلات موسیقی
- حضرت موسی برای گفتگو با خداوند
- با این کوه معرفت - از الهسه قدیمی ۶ -
- نام یکی از کتب امری ۷ - از احجام هند
- نیستی - از القاب حضرت رب اعلی ۸ -

## جدول شماره ۱

- برای ایجاد رعب و ترس میزنند - آشپز ۹ - سام در هم ریخته - طولترین مدت حبس
- ۱۰ - یکی از اصطلاحات امری - یکی از رساله های حضرت عبدالبهاء - از ماههای
- شمس ۱۱ - الفی بان اضافه کنید تا راهنما شود - کثرت آن موجب نابسامانی و پرهشانی
- خاطر است - بهامبر .
- عودی : ۱ - صحیفه فاطمیه ۲ - بدن - حضرت مسیح از آنجا آمده - از اعداد ۳ -
- پهضم ربت شکن ۴ - نا پیدا - قرآن کریم با این کلمه شروع میشود ۵ - ترس و وحشت - از
- اصطلاحات فیزیکی - ابوالبشر - ۶ - حرف تعجب - از اناجیل اربعه - بوی نم و رطوبت
- ۷ - آز - یله - قهله و طایفه ۸ - از دروس دبیرستانی - کناره ۹ - مدینه عشق ۱۰ -
- زنده معکوس - با ( برهان ) اسم یکی از کتب امری است - اکبر و اصغرش معروف است
- ۱۱ - یکی از کتب امری مربوط به نظم اداری .



اول دست خود را از پهلو بموازات زمین دراز کرد و فاصله از بینی تا نوک انگشت او را واحد طول قرار دادند و آنرا یارد نامیدند و هنوز که هنوز است یارد با اجزاییش فوت و اینچ واحدهای طول انگلستان و امریکا محسوب میشوند . بطوریکه میدانید یارد ۹۱/۴۴ سانتیمتر - فوت ۳۰/۴۸ سانتیمتر و اینچ ۲/۵ سانتیمتر است .

سر خسی شرم وزردی ترس  
~~~~~

يك قسمت از رنگ صورت انسان مربوط ب رنگ مخصوص پوست صورت است ولی قسمت اعظم آن از رنگ خونیکه در زیر پوست جریان دارد پدید میآید قلب خون را بزیر پوست صورت میفرستد موقعیکه شخص دچار ترس و وحشت میگردد رگهایی که خون بصورت میبرند تنگ میشود و در نتیجه خون کمتری بصورت میرود و رنگ پوست میبرد در هنگام خجالست رگهایی که خون بطرف سر میبرد گشاد میشود و بعلت هجوم خون بزیر پوست صورت رنگ آن قرمز میگردد ناگفته نماند که این تغییر قطر رگها با دخالت اعصاب خاصی انجام میگیرد .

" تلخیص از کتب پزشکی "

حل جدول شماره ۱ نوجوانان

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ک	ت	ب	ر	و	ح	س	ی	ن		
ل	ن	ع	ا	ر	ف	ح	ظ			
۴	۳	ا	ح	ب	ص	ق	ع	ا		
۴	ا	ن	ب	و	ی	ش	ت	م		
۵	ت	ا	ر	ط	و	ر	ق	ب	ا	
۶	ص	ا	ب	ی	ح	د	ا	ک	ت	
۷	ک	ر	ه	ن	ا	ب	ا	ب		
۸	ن	ه	ی	ب	ا	ل	ا	ن	ه	
۹	و	س	ا	ا	ب	د	ا			
۱۰	ن	ص	م	د	ن	ک	ه	د	ی	
۱۱	ه	د	ی	ا	ا	ل	ن	ب	ی	



سه پسر بچه از قبیله یونان ساکنین برنئی انگلیس کسه اولیای آنان در ظل امر بهائی درآمده اند . گرچه قبیله یونان از قبایل سرگردان و بسیار بدوی میباشد تعدادی از افراد آن به امر مبارک اقبال نموده اند